



انترناسیونال ۳۶۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۶ شهریور ۱۳۸۹، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

بیانیه الفتح انعکاسی از موقعیت جمهوری اسلامی است

شهلا دانشفر
اخیرا الفتح سازمان آزادیبخش فلسطین که رهبری آن را محمود عباس بعهده دارد با صدور بیانیه ای در پاسخ به سخنان خامنه ای در مورد فلسطین که در روزنامه دوشنبه ۱۳ سپتامبر الشرق الاوسط

باز شدن مدارس و دانشگاهها عرصه تازه ای از مبارزه علیه جمهوری اسلامی نیز بازگشائی میشود. دانشگاه همیشه در صف مقدم مبارزه توده مردم علیه اختناق و سرکوب و علیه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار داشته است و امسال

باز شدن مدارس و دانشگاهها عرصه تازه ای از مبارزه علیه جمهوری اسلامی نیز بازگشائی میشود. دانشگاه همیشه در صف مقدم مبارزه توده مردم علیه اختناق و سرکوب و علیه حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار داشته است و امسال

صفحه ۲

پیام حمید تقوائی به مناسبت آغاز سال تحصیلی

مردم آشکارا بروی جامعه تیغ کشید. به کشتار و سرکوب سازمانیافته روی آورد و در

مردم آشکارا بروی جامعه تیغ کشید. به کشتار و سرکوب سازمانیافته روی آورد و در

صفحه ۲

۱۸ سپتامبر: شهروندان جهان علیه رژیم سلاق و سنگسار!

صفحه ۲

SATURDAY SEPTEMBER 18TH:
CITIZENS OF THE WORLD
AGAINST THE REGIME OF FLOGGING AND STONING



NO TO
EXECUTION
NO TO
STONING
NO TO
FLOGGING

بیانیه حزب کمونیست کارگری بمناسبت شروع سال تحصیلی جدید:

اول مهر و گسترش مبارزه و انقلاب
علیه جمهوری اسلامی!

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می شود که جمهوری اسلامی جنگ خود را علیه مدارس و دانشگاهها، علیه معلمان و دانش آموزان و دانشجویان و استادان شدت و دامنه بیشتری داده است. در یکسال گذشته بسیاری در این صف دستگیر و شکنجه شدند؛ در حملات اوباش به دانشگاه، با شلیک دژخیمان در خیابان، زیر ضربات بازجو و یا با طناب دار به قتل رسیدند؛ بسیاری پاکسازی شدند و شغل خود را از دست دادند، مجبور به ترك کشور و یا از تحصیل محروم شدند. حکومت علیه نفس علوم اجتماعی اعلان جنگ داد، دیوار جداسازی و تبعیض جنسیتی را بالاتر برد و دانشگاهها و مدارس را پر از نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات و آخوند کرد. اما اینهمه جنایت و سبیت آرامش خاطری به جمهوری اسلامی نمی دهد و حتی قادر نیست اضطراب خود را از فرا رسیدن اول مهر پنهان دارد. بویژه آنکه امسال بدنبال انقلاب عظیمی که رژیم اسلامی را در هم پیچیده و در جهان و ایران به تمامی رسوا کرده، در شرایطی که رژیم اسلامی متفرق تر و پاشیده تر از هر زمان است و فلج و بحران اقتصادی به اوج خود رسیده است،

صفحه ۶

آغاز فصلی داغ در اروپا

اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری در راه است

کاظم نیکخواه
هفته پیش کارگران فرانسه دست به اعتصابی عمومی زدند و بیش از دو و نیم میلیون نفر در آن شرکت کردند. مدارس، حمل و نقل و

ترانسپورت و هواپیمایی و بسیاری مراکز کلیدی تعطیل شد. فرانسه یک روز زمین گیر شد. و جالب اینست که بنا به نظرسنجی ها بیش از ۷۰ درصد مردم فرانسه از این اعتصاب

صفحه ۶

کهریزک گریبان حکومت را رها نمیکند

هادی وقفی
پس از شروع خیزش انقلابی مردم در سال گذشته، جمهوری اسلامی برای ارباب و ترساندن

صفحه ۳

تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در مقابل سازمان ملل در نیویورک!

صفحه ۳

تظاهرات برای آزادی کارگران زندانی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در اسلو

جمعه ۱۷ سپتامبر ساعت ۲ بعد از ظهر، صفحه ۹

"شیخ جراح": جنبش دفاع از حق زندگی در اسرائیل

احمد فاطمی، صفحه ۱۲

صفحات دیگر

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید، صفحه ۷
اخباری از اعتراضات به اخراج و نپرداختن دستمزدها
صفحه ۸
جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جانباختن کارگران است!
صفحه ۸
سجاد و سعیده خطاب به مردم دنیا- صفحه ۱۱
کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷- صفحه ۱۱
سکینه را بار دیگر مجبور به مصاحبه تلویزیونی کردند
صفحه ۱۰

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحات ۹

هزاران نفر از مردم پاریس در میتینگی خواهان آزادی سکینه و لغو سنگسار شدند

مینا احدی در این تظاهرات از مردم فرانسه و جهان خواست برای سرنگونی جمهوری اسلامی از مردم ایران حمایت کنند

صفحه ۱۰

بازتاب هفته

ریزش جمهوری اسلامی!

حسن صالحی

دیپلماسی گروگان گیری جزئی از تروریسم دولتی

یاشار سهندی

تلاش رفسنجانی برای جدا کردن خامنه ای ...

محمد شکوهی

کتیبه کوروش و حکومت اسلامی

غلام اکبری

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه الفتح انعکاسی از ...

شهلا دانشفر از صفحه ۱



منطقه ای "متهم میکند و بر هدف جمهوری اسلامی مبنی بر "ایجاد شکاف میان فلسطینی ها و کشاندن منطقه به جنگهای داخلی به نفع خود" سخن میگوید. در این بیانیه آمده است که جمهوری اسلامی میکوشد مساله فلسطین را همچون برگ برنده ای در چالش با غرب و ابزاری برای دخالت در امور کشورهای عربی استفاده کند. الفتح در این بیانیه احمدی نژاد را "رییس جمهوری نامشروع و غاصب" میخواند که حرفهای ارزش پاسخ گفتن ندارد. رییس جمهوری که مردم ایران را نمایندگی نمیکند. بیانیه الفتح دخالت در امور فلسطین را خط قرمز خوانده و از جمهوری اسلامی میخواهد که از دخالت در امور فلسطین دست بردارد. در همین راستا نبیل ابو ردینه سخنگوی الفتح، با اشاره به سخنان احمدی نژاد به مناسبت روز قدس، از اینکه احمدی نژاد نماینده مردم ایران نیست و سرکوب مبارزات مردم در ایران سخن میگوید.

اختلاف الفتح با جمهوری اسلامی موضوعی قدیمی است اما این موضوعگیری تند و صریح محمود عباس و الفتح در مورد سران جمهوری اسلامی رویبادی تازه است. اینکه الفتح بعنوان جریانی که در فلسطین ناسیونالیسم عرب را نمایندگی میکند چه اهدافی را دنبال میکند، موضوعی جداسد. الفتح حماس را رقیبی در منطقه میدانند که میتواند از آن در این خلل و فرج امتیازی برای خود بگیرد و در عین حال همکاری های خود را با آن داشته باشد. از همین رو در این بیانیه نوک تیز حمله الفتح مستقیماً اسلام

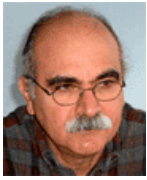
منطقه از حریف مقابلش امتیازاتی بگیرد. بویژه انعکاس شکاف های دورنی حکومت اسلامی مستقیماً بر شکاف درون حماس و تضعیف آن نیز تاثیر گذاشته است. دوستان نزدیک حماس در حکومت اسلامی عمدتاً همان دوم خردادیهای سابق و موسوی چی های امروزی بوده اند که هرروز دارند به خیانت متهم میشوند و حتی صفوف حماس برای حمایت از جمهوری اسلامی ترك برداشته است. و همه این فاکتور ها به نفع الفتح عمل کرده است. در چنین توازن قوایی است که الفتح بیانیه میدهد و حتی از جمهوری اسلامی بعنوان سرکوبگر مبارزات مردم ایران سخن میگوید و در مقابلش می ایستد. واقعیت اینست که هم اکنون ۶۰ سال است که ما شاهد جنگی منطقه ای در فلسطین هستیم و نسلها کشته شده و آواره شده اند. اسلام سیاسی همسو با جریانات دست راستی و افراطی اسرائیلی همواره بعنوان يك مانع در مقابل صلح در منطقه عمل کرده اند. جمهوری اسلامی بعنوان پایگاه اسلام سیاسی در منطقه و حامی حماس تلاش کرده است که از مساله فلسطین بهره برداری سیاسی کند و همیشه کوشیده است برای خلاصی از فشارهای داخلی جنگی در منطقه به راه اندازد تا توجه ها را به جانب آن جنگ بکشاند. دولت های مختلف اسرائیل نیز بخوبی از وجود حماس و اسلام سیاسی برای گرم نگه داشتن فضای جنگی در منطقه استفاده کرده اند.

سرنوشتی جمهوری اسلامی، کوتاه شدن دست اسلام سیاسی از منطقه مهمترین فاکتور برای خاتمه دادن به جنگ و خلاصی مردم فلسطین از سرکوب و آوارگی ای است که حکومت اسرائیل به این مردم تحمیل کرده است. در دل چنین تحولی است که جریانات سکولار و

سخنرانیها، مصاحبه با رسانه های مختلف و اشکال دیگری از فعالیت توسط فعالین این نهادها جریان دارد. تا امروز بیش از يك میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر قطعنامه مربوط به نجات سکینه که توسط سایت ها و رسانه های مختلف سازمان داده شده است را امضا کرده اند. این یکی از بزرگترین پتیشن هائی است که در سطح جهان جریان دارد و هرروز هزاران نفر به این آمار اضافه میشود.

این کمپین سه ماه است در سطح بین المللی جریان دارد و چنان ابعاد

پیام حمید تقوائی ... از صفحه ۱



حمله سبعانه جلادان حکومتی به کوی دانشگاه در خردادماه گذشته، بازداشت های وسیع، شکنجه و تجاوز در زندانها، به گلوله بستن جوانان در خیابانها، اخراج از دانشگاه و تحت تعقیب قرار دادن و متواری کردن دانشجویان، تنها گوشه هائی از جنایات حکومت در یکساله اخیر است. بر متن این شرایط طبیعی است که دانشگاه با خشم و عزم و اتحاد و پیگیری ای بیش از گذشته بیدار بیاید. در این نبرد بیشک دانشجویان همراهی معلمان و استادان و دانش آموزان و حمایت توده عظیم مردم را نیز با خود خواهند داشت.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی در یکی از ضعیف ترین و بهم ریخته ترین دوران حکومت خود به سر میرسد. گرچه رژیم توانست خیزش انقلابی مردم را فرونشاند اما خود نیز از این نبرد با صفوفی بهم ریخته و ضربه خورده و بسیار مستاصل تر و ضعیف تر از گذشته بیرون آمد. امروز حکومت اسلامی در نزد نه تنها مردم ایران بلکه در افکار عمومی جهانیان کاملاً رسوا و افشا شده است و همه دنیا به لطف خیزش انقلابی مردم، ماهیت کریه و ضد انسانی جمهوری اسلامی را بخوبی میشناسد.

میتوان و باید از این شرایط برای يك تعرض قدرتمند و گسترده به رژیم سود جست. دولتی که حتی در نزد بخشی از خود حکومت هیچ

رادیکال جلودار صحنه میشوند. و میتوانند آلتزناتیو تشکیل يك دولت مستقل فلسطین را به دولت فاشیست اسرائیل تحمیل کنند و برای همیشه بختک جنگ از سر منطقه کنار رود. موضوعگیری الفتح

مشروعیتی ندارد، سلطه يك مافیای اقتصادی- نظامی که در چپاول و غارت منابع ثروت جامعه و غارت دسترنج کارگران و مردم فقر زده، و همچنین سرکوب و کشتار مردم همه مرزهای توحش را در نور دیده است، بیکاری و گرانی و فقر و فلاکتی که در جامعه بیداد میکند و هر روز شدید تر میشود، همه این عوامل زمینه خیزش مجدد مردم و این بار بسیار قدرتمند تر و رادیکالتر از پیش، را فراهم می آورد. این شرایط بویژه جوانان و مشخصاً دانشجویان را به اعتراض علیه فقر و گرانی، مبارزه علیه اعدام و سنگسار و سرکوب و اختناق و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فرامیخواند. دانشجویان همواره بلندگوی صدای اعتراض و نماینده آمال و خواسته های برحق و آزادیخواهانه توده مردم بوده اند و امروز بیش از هر زمان دیگری ایفای این نقش در بمیدان کشیدن توده مردم موثر و کارساز خواهد بود.

به امید مبارزاتی قدرتمند و پیروزمند!

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ شهریور ۱۳۸۹، سپتامبر ۲۰۱۰

انعکاس فشار جنبش انقلابی مردم ایران و ابعاد جهانی آن است که تاثیرات خودش را بر روی منطقه و جهان گذاشته است. *



توده ای به خود گرفته که دولتهای منزوی تر و منفورتر شده و همبستگی وسیعی بین مردم دنیا با مردم ایران شکل گرفته است.

توده ای به خود گرفته که دولتهای منزوی تر و منفورتر شده و همبستگی وسیعی بین مردم دنیا با مردم ایران شکل گرفته است.

۱۸ سپتامبر روز تظاهرات جهانی علیه حکومت سنگسار

به فراخوان کمیته های علیه اعدام و سنگسار، میشن فری ایران و ایران سولیداریتی، روز شنبه ۱۸ سپتامبر (۲۷ شهریور) در دهها شهر در سراسر جهان علیه رژیم شلاق و سنگسار اسلامی تظاهرات برگزار میشود. تا امروز پنجشنبه تظاهرات در ۳۴ شهر قطعی شده است.

تظاهرات در شهرهای وین، بروکسل، تورنتو، ونکوور، اتاوا، میسی ساواگا، آتن، کپنهاگ، برمن، فرانکفورت، کلن، ماینتز، هامبورگ، دورتموند، هانوفر، لایپزیک، پادربورن، باسانکوم، آمستردام، اسلو، استکهلم، گوتنبرگ، مالمو، بوروس، کالسکرونا، ویسبی، اوربرو، گلاسکو، لندن (دو برنامه مجزا)، ویمبورن، شیکاگو، دالاس، واشنگتن و نوادا برگزار میشود. این سومین تظاهرات سراسری در هشت هفته گذشته است که به دعوت این نهادها برگزار میشود. علاوه بر تظاهرات، هر هفته

کهریزک گریبان حکومت ...

از صفحه ۱
هادی وقفی

عرصه های مختلفی، زنان، جوانان، کارگران، روزنامه نگاران و فعالان سیاسی را گرفتار شکنجه گاههای مخفی و علنی خود ساخت. بازداشتگاه "کهریزک" فقط یکی از سیاهچالهای رژیم اسلامی بود که به دلایلی کشتارها و شکنجه های صورت گرفته در آن پس از تظاهرات های خیابانی سال گذشته، به موضوع بحث رسانه ها تبدیل شد و ماجرایش تا مطرح شدن اسم جلا معروف حکومت یعنی قاضی مرتضوی و نقشش در جنایات این بازداشتگاه پیش رفت. تحت فشار خانواده جانباختگان کهریزک و بویژه خانواده دو تن از آنان که از خودی های رژیم محسوب می شوند، دادگاه متهمان کهریزک پشت درهای بسته و ابتدا بدون اسم بردن از مرتضوی و سایر متهمان درجه اول این جنایات برگزار شد. بدنبال همین دادگاههای فرمایشی، دو تن از متهمان مسئول قتل محسن روح الامینی، محمد کامرانی و امیر جوادی فر شناخته شده و به قصاص نفس محکوم شدند. اما خانواده جانباختگان و بویژه عبدالحسین روح الامینی، پدر محسن روح الامینی و معاون محسن رضایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، خواستار محاکمه قضات دخیل در این پرونده گشتند. نام هایی مثل قاضی مرتضوی (دادستان وقت)، قاضی حداد (معاون امنیت وقت دادستان) و بعدها علی اکبر حیدری فر (دادیاری که دستور انتقال متهمان به کهریزک را صادر کرده بود) از همان ابتدا در این پرونده مطرح بودند و یا حداقل خانواده جانباختگان - و تمام مردم - نقش آنها را در جنایات صورت گرفته می دانستند. بدنبال این فشارهاست که این روزها مقامات رژیم مجبور شدند برای نخستین بار بطور رسمی از قاضی مرتضوی بعنوان یکی از سه مقام قضایی که برای رسیدگی به "تخلقاتشان" حکم تعلیق گرفته بودند، اسم ببرند. "عباس جعفری دولت آبادی" دادستانی که یک سال پیش جانشین مرتضوی شده است، در مصاحبه ای ضمن پرهیز از ذکر

تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد سر دسته جانیان اسلامی در مقابل سازمان ملل در نیویورک!

ایرانیان ازادینخواه:

مردم شرافتمند:

احمدی نژاد رئیس حکومت جنایتکار اسلامی روز ۲۳ سپتامبر در جلسه سازمان ملل خواهد بود. رژیم اسلامی امروز بیش از هر زمانی مورد نفرت عمیق مردم ایران و سراسر جهان قرار دارد، که گوشه های از آنرا در همین دو ماه گذشته در رابطه با سنگسار و تلاش برای آزادی سکینه محمدی اشتیانی خود شاهد بوده ایم. ما با پیونید تا به حضور احمدی نژاد این نماینده، حکومت سنگسار، اعدام و بی حقوقی مطلق مردم ایران اعتراض کنیم و صدای زندانیان سیاسی، صدای گارگران زندانی و صدای سکینه ها را هر چه رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

احمدی نژاد و کلیه سران جنایت

پیش از انتصاب به سمت دادستانی تهران، رئیس دادگاه مطبوعات بود و دهها روزنامه را توقیف کرد. به کشتار و شکنجه فعالان سیاسی، روزنامه نگاران و دانشجویان پرداخت و قتل "زهر کاشمی" را در پرونده پر از جنایت و کثافتش ثبت کرد و هم اکنون هم جنایت فجع کهریزک بنام او ثبت شده است. جمهوری اسلامی می تواند باصطلاح برای حفظ آبرو و خلاصی از شر فشارهایی که تا حلقه خودی ها رسوخ یافته است، یکی از نور چشمی های خود را قربانی کند. این رژیم قبلا هم از اینگونه دادگاهها برگزار کرده است. متهمان این دادگاههای نمایشی و مخفی پس از گرفتن احکامی که در جریان این دادگاهها مدام کش داده می شوند، حداکثر یک دوره زندان کوتاه مدت را می گذرانند و اگر اوضاع و مردم اجازه دهند دوباره به مناصب کشتار و جنایت و غارت خود بازگرداند می شوند. معلوم نیست چنین تجربه ای در مورد مرتضوی هم تکرار شود و یا او هم مثل سعید امامی در زندان مجبور به خودکشی گردد. اما پرونده کهریزک و کل جنایات حکومت از نظر مردم با این دادگاههای کذاب مخفی بسته نمیشود. پایان پرونده کهریزک، با پایان مسئله جنایات جمهوری اسلامی و فقر و بی حقوقی و بدبختی سی ساله ای که به مردم تحمیل کرده است، عجین است. قاضی مرتضوی فقط یکی از دست پرورده های کثیف این ساختار مذهبی سرمایه داران و آیت الله های میلیاردی است که هیچگاه شغل شریف دیگری غیر از جنایت و وحشیگری نداشته اند. او فقط یکی از آدمکشان این حکومت است و جنایاتش در این پرونده هم فقط بخشی از کل جنایات مرتضوی و نظام سیاسی ایران در طول این سی سال میباشد. کهریزک فقط یکی از شکنجه گاهها و سیاهچالهای کشتار این رژیم است که در طول سی سال گذشته جان بسیاری از شریف ترین مردمان را در آنها گرفته اند و شکنجه و اعدام و سنگسار کرده اند. در طول یکسال گذشته نیز کشتند و سلاخی کردند و برای سرپوش گذاشتن به جنایاتشان دروغ های کثیف سرهم کردند. به خانواده های کشته شده ها هم - که بر اساس



پیشه حکومت اسلامی، نه تنها نماینده مردم ایران نیستند و نباید در مجامع بین المللی حضور پیدا کنند، بلکه باید به جرم ۳۱ سال زندان، شکنجه، اعدام و سنگسار دستگیر و در دادگاهی بین المللی محاکمه شوند.

زمان: ۲۳ سپتامبر از ساعت ۱۱ تا ۴ بعدظهر

مکان: مقابل دفتر سازمان ملل در نیویورک

با ما تماس بگیرید

wpicanada@yahoo.com

001416 726 9321

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران. واحد شرق کانادا

قضایی این جانیان و کل دستگاه غارت و آدمکشی شان دیگر تره هم خورد نمی کنند. و برای رهایی از فشار انقلاب همین مردم است که خود را به در و دیوار می زنند و در یک درهم ریختگی و از هم پاشیدگی سیاسی، یکدیگر را به دادگاه فرا می خوانند و قاضی همدیگر می شوند. پرونده جنایات کهریزک هر نتیجه ای که داشته باشد، جنایات سی ساله این حکومت و قتل "ندا"ها و "سهراب"ها و "ترانه"ها و "فرزاد"ها و "احسان"ها و بسیاری دیگر از شریف ترین انسانهای آن جامعه در ذهن مردم ایران و جهان حک شده است و فراموش شدنی نیست. مرتضوی و جانیان دیگر این رژیم با دستور مستقیم خامنه ای و سایر مقامات و وزرای امنیتی اش همه این جنایات را مرتکب شده اند. مردم ایران قاتلان واقعی فرزندان خود را بخوبی می شناسند و دور نیست روزی که به قدرت انقلاب خود، تمامی این بساط متعفن قتل و غارت مذهبی سرمایه داران را بریز بکشند.*

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

بازتاب هفته

ریزش جمهوری اسلامی!

در حاشیه استعفای دو

دیپلمات رژیم



حسن صالحی

طی روزهای گذشته دو نفر از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در بلژیک و فنلاند از سمت خود استعفا دادند. فرزند فرهنگیان دیپلمات جمهوری اسلامی و مسئول بخش مطبوعاتی سفارت رژیم در بروکسل روز ۱۰ سپتامبر از سمت خود استعفا داد و با عزیمت به فنلاند از این کشور درخواست پناهندگی کرد. چند روز پیش از آن نیز حسین علیزاده کاردار سفارت جمهوری اسلامی در هلسینکی- فنلاند پست خود را ترک کرد. هر دو، دلیل استعفای خود را سرکوب مردم ایران اعلام کرده‌اند. روند استعفاهای دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در خارج کشور، بدنبال اعتراضات میلیونی مردم در سال گذشته شروع شد. علیرضا حیدری کنسول سفارت جمهوری اسلامی در نروژ در دیماه سال گذشته استعفا داد و البته همان موقع اعلام شد که شمار بیشتری از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از سمت خود کناره‌گیری کرده و در کشورهای محل کار خود تقاضای پناهندگی کرده‌اند. برخی منابع رقم ۲۷ نفر را ذکر کرده بودند. همه می‌دانند که این استعفاها در آسمان بی‌اثر اتفاق نمی‌افتد. اینطور نیست که کسانی به ناگهان از خواب غفلت بیدار شده باشند و پس از ۳۱ سال تازه متوجه جنایت پیشگی این رژیم شده باشند. این استعفاها بازتاب خروش انقلابی مردم در خیابان است. پایه‌های این رژیم را مردم حسابی لرزانده‌اند و بدنبال این زمین‌لرزه اجتماعی است که این ریزش‌ها اتفاق می‌افتد. فرار کاربدستان حکومتی از رژیم نشانه وضعیت درب و داغان جمهوری اسلامی زیر فشار خردکننده اعتراض و انقلاب مردم ایران است. جمهوری اسلامی هر چقدر هم با چنگ و دندان خونینش از مردم قربانی گرفته باشد و موقتا جلوی اعتراضات خیابانی را گرفته باشد،

نمی‌تواند خود را از کابوس سرباز کردن مجدد انقلاب مردم برهاند. مردم آنها را تا لبه پرتگاه سرنوشتی برده‌اند و برای بار بعد کار رژیم آدمکش جمهوری اسلامی را بطور قطع یکسره می‌کنند. رژیمی که دورنمای بقا نداشته باشد از درون نیز فرو می‌ریزد. وضعیت البته فقط به این سفیر و آن کنسول محدود نمی‌شود. در راس این حکومت شکاف‌های جدی‌ایی وجود دارد. آیت الله‌ها به جان هم افتاده‌اند. نیروهای "خودسر" میداندار شده‌اند. کمپین جهانی علیه سنگسار این رژیم را به یکی از منفورترین رژیم‌های دنیا تبدیل کرده است. به یکدیگر از عاقبت محتوم سرنوشتی هشدار می‌دهند. رهبر که تنها شده است برای حفظ موقعیت لرزان خود، حکم ولایتی اطاعت از "ولی فقیه" صادر می‌کند. تحریم‌های جهانی کمرشان را شکسته است. می‌گویند "شوخی نیست" مسئله را باید جدی گرفت و وضعیت اقتصادی چنان خراب است که "آقا" را به دست و پا انداخته تا نسخه‌ایی برای درمان بپیچد. هر تصمیمی که می‌خواهند بگیرند ۱۰ بار باید استخاره کنند که نتیجه اش چه می‌شود. صدایشان بلند است که طرح‌های "امنیت اجتماعی" به شکست کشیده شده است چرا که در تهران بدحجابی به کشف حجاب تبدیل شده است. "بازوان نیرومند سپاه" که نه، حتی از خدا و امام‌زادانشان نیز قطع امید کرده‌اند که با "دست نامرئی" به کمکشان بشتابند. این وضعیت رژیمی است که مردم آن را پس زده‌اند. هیچ جایگاهی در بین مردم ندارد. علیه اش دست به شورش و انقلاب زده‌اند. اکنون در صف جناح حاکم نیز شکاف‌های عمیقی ایجاد شده و هرروز مجلس و دولت علیه یکدیگر بیانیته صادر میکنند و خودی‌های سابق نیز صف عوض می‌کنند. مانند در کنار چنین رژیمی فقط و فقط مایه سرفاکنندگی است. اگر کسی بخواهد از خشم و نفرت مردم در امان بماند بهترین راه این است که صفوف رژیم آدمکشان را بلافاصله ترک کند. به هر درجه که حضور مردم در صحنه بیشتر و تعرض به جمهوری اسلامی قوی‌تر باشد باید انتظار داشت که شمار بیشتری دست از همکاری به این رژیم بردارند و صفوف رژیم را ترک

کنند. این منعکس‌کننده قدرت مردم است و به نوبه خود اعتماد به نفس بیشتری به آنها می‌دهد. رژیمی که از درون به ریزش افتاده است و نیروهایش در حال پشت کردن به آن باشند، خاکریز ساده‌تری برای فتح و نهایتاً دستیابی به آزادی و برابری است. اما ادامه استعفای دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در خارج کشور یک جنبه مهم دیگر را نیز گوشزد می‌کند. زمانی که حتی نمایندگان پیشین جمهوری اسلامی در خارج کشور با استعفاهای خود اعلام می‌کنند که این رژیم علیه مردم ایران است [چگونه دولتهای غربی هنوز به روابط دیپلماتیک و سیاسی خود به جمهوری اسلامی ادامه می‌دهند؟ چگونه است که تربیت شدگان دانشکده وابسته به وزارت خارجه جمهوری اسلامی از همکاری با این رژیم دست بر می‌دارند و دول غربی هنوز سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را بعنوان نمایندگی مردم ایران برسمیت می‌شناسد؟ استعفاهای دیپلمات‌های جمهوری اسلامی گواه دیگری است که سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی بعنوان مرکز توطئه و جاسوسی و تروریسم باید در همه جا بسته شوند. این تلاشی است که در دستور کار ما قرار دارد و افکار عمومی را برای فشار بر دولتها در این زمینه به حرکت در می‌آوریم. نشانه‌های پیشروی در این زمینه را میتوان در عکس‌العمل برخی نمایندگان پارلمانها علیه جمهوری اسلامی، در خودداری ملاقات با وزرای حکومت و امثال اینها بوضوح میتوان دید. حکومت سنگسار و شلاق و اعدام و ترور باید از مجامع عمومی بین المللی طرد شود و بعنوان حکومت برسمیت شناخته نشود. *

دیپلماسی گروگان‌گیری جزئی از تروریسم دولتی

یاشار سهندی

"سارا شرود آزاد شد." او یکی از "سه شهروند آمریکایی" بود که سال گذشته در کوه‌های مرزی ایران و عراق دستگیر شد. آنها را به زندان انداختند و بعد متهم به جاسوسی کردند. در آن کوه‌های مرزی ایشان مشغول جمع‌آوری چه اطلاعاتی بودند کسی نمیداند، قرار هم نیست کسی بداند! اما یک چیز مسلم است آن سه نفر در بدترین زمان ممکن، در بدترین جای

ممکن بودند. ایشان فی الواقع در تور جمهوری اسلامی افتادند. این تور همیشه پهن بوده است بسته به اوضاع و احوال و مشکلات پیش آمده برای دولت جمهوری اسلامی و دولت معین غربی شهروندان آن کشور معین دچار مشکلاتی میشوند که در کابوس شب شان هم نمی‌دیدند. این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی دست به گروگان‌گیری و آدم‌ربایی میزند. از ماجرای گروگان‌گیری دیپلمات‌های سفارت آمریکا، تا ربودن هواپیماهای مسافری، از محاکمه "تاجر آلمانی" به جرم رابطه با "زن مسلمان ایرانی" و محکوم به اعدام شدن وی، تا دستگیری رکسانا صابری و آزادی وی، از دستگیری ۱۵ ملوان انگلیسی و تا دستگیری کلویتید رایس و تا دستگیری "سه شهروند جوان آمریکایی" یکی از روشهای روتین این حکومت بوده است در شیوه تمشیت امور به شکل اسلامی آن. هدف اولیه جمهوری اسلامی از این آدم‌ربایی‌ها ایجاد فضای رعب و وحشت در داخل است. این ماجراها برای این دولت این خاصیت را داشته که می‌خواهد نشان دهد که مثلاً از هیچکس و هیچ چیز نمی‌ترسد در عین حال افکار عمومی مشغول موضوعی کند که مایل است. گروگان‌گیر دیپلمات‌های آمریکایی در سال ۵۸ نمونه بارز آن است. خمینی فتوا داد که "هرچه فریاد دارید سر آمریکا بکشید" تا بدینوسیله رژیم را از تیررس مبارزه مردم خارج کند. در آن مقطع رژیم برای فرار از شکست خویش در مواجهه با مردم، بخصوص مردم مبارز کردستان دست به این کار زد و متأسفانه حواس بسیاری از جمله بخشی از چپ ایران را هم پرت کرد و حکومت در پناه آن توانست خودش را جمع و جور کند و آماده‌یورث وسیعی تری به مردم شود. در ابتدای حکومت احمدی‌نژاد خواستند مانند ماجرای سفارت آمریکا را تکرار کنند و خود را قدر قدرت منطقه‌ای نشان دهند برای همین ۱۵ ملوان انگلیسی را که در تله گرفتار شده بودند بازداشت کردند. اما مردم اینبار وسیعاً منجز از حکومت بودند و این ماجرا به ضد خودش تبدیل شد الا یک بخشی کوچکی از چپ ایران که میگفت: "این از حرکت مصدق هم قوی‌تر بود احمدی‌نژاد توانست انگلیس را تحقیر کند!" اما فی الواقع اگر ماجرای سفارت آمریکا برای این حکومت برکنی به‌همراه داشت، این ماجرا جز

مضحکه حاصلی نداد. یک هدف مشخص تر از گروگان‌گیری‌های این حکومت اینست که دست به معامله بر سر تروریست‌های خود بزنند. هرکس را دم دستشان بود گروگان میگیرند تا جنایتکارانشان در این یا آن کشور را پس بگیرند، یا بر ماجرابی سرپوش بگذارند. دستگیری خانم رایس و آزادی او با آزادی قاتل شاپور بختیار از فرانسه، و اکنون این سه شهروند آمریکایی اسباب معامله شدند تا شهرام امیری کارشناس اتمی جمهوری اسلامی خودش را تسلیم کند، این شخص در پناه دولت آمریکا بود. نکته جالب در همه این موارد برخورد دول غرب است با این گروگان‌گیریها. آنها اگر یک فرد معمولی به دلیلی کسی یا کسانی را گروگان بگیرد و درخواستی داشته باشد تا آن شخص را به قتل نرسانند آرام نمی‌گیرند حتی اگر شده گروگانها کشته شوند. اینگونه میخواهند به جامعه القا کنند به کسی باج نمی‌دهند. در این موارد اما، کوتاه می‌آیند و با حکومت اسلامی معامله میکنند و بعضاً قاتل و تروریستی که مخالفین حکومت را به گلوله بسته است آزاد میکنند. در یک مورد حتی به شیوه خود جمهوری اسلامی متوسل شده‌اند، شایعه بسیار قوی وجود دارد که دولت آلمان دامی برای یکی از آخوندهای رژیم در آلمان پهن میکنند و بدینوسیله "تاجر آلمانی" محکوم به مرگ آزاد میشود. منظور اما این نیست لشکر کشی کنند اما در هیچ کجا نمی‌خوانید که قصد دولت جمهوری اسلامی که مثل روز روشن است را برملا سازند. جمهوری اسلامی در این ماجراها پیش مردم سعی داشته از خود چهره پیروز بسازد و هیچ ابایی ندارد که مردم بگویند این گروگان‌گیری است. او دوست دارد مردم ایران اینگونه فکرکنند و بترسند. اما این ماجراها بیشتر از آنکه به نفع رژیم باشد اکنون به ضد خود تبدیل شده است. نفرت افکار عمومی ایران از اینگونه اعمال دولت جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده است. در سطح بین المللی هم دولت‌ها هر سیاسی داشته باشند، این گونه گروگان‌گیری‌ها به بسیج بیشتر مردم دنیا علیه حکومت ترور و سنگسار و شکنجه تبدیل شده است. بنابراین جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند به اهداف کثیف گروگان‌گیریش نائل شود. *

بازتاب هفته

تلاش رفسنجانی برای جدا کردن خامنه ای از احمدی نژاد



محمد شکوهی

اخیرا نشست مجلس خبرگان رهبری رژیم برگزار گردید. در این نشست رفسنجانی به ارزیابی از وضعیت رژیم، اختلافات حکومتی، تفرقه در حکومت و خطرات متوجه نظام، تحریمها و.. پرداخت و طبق معمول تلاش کرد با بند بازی همه را راضی نگه دارد و خودرا فراتر از جناحهای متخاصم قلمداد کند. رفسنجانی در ارزیابی خود از اوضاع گفت: "همگی از شرایط مطلع هستید امروز شرایط نامناسبی در دنیا در اطراف ما و به خصوص در ایران است! تاکنون اینقدر قطعنامه علیه خود نداشتیم. تحریمها هم از شورای امنیت، هم آژانس است و هم دولتها خود مستقلا وارد میدان شدهاند. درخواست من این است همه مسوولان تحریمها را شوخی نگیرند" و بعد ادامه داد: "تخلف از قانون به معنای دیکتاتوری و استبداد است. جریان خودسری که وجود دارد، حقیقتا سم کشور است. آنهایی که تلاش دارند مسائل را متوجه رهبری کرده و مرکزیت نظام را مخدوش کنند، می‌دانند چه کار می‌کنند؛ آنها کسانی هستند که دوستانشان قرآن سوزی می‌کنند. از طرف دیگر کسانی هم که نام «ذوب در ولایت» دارند، هر کاری را که انجام می‌شود به پای رهبری می‌نویسند و هر جا تیری می‌آید جا خالی می‌دهند تا به ایشان برخورد کند، در صورتی که مسوولیت همه مشخص است و چرا باید هر کاری که می‌کنند به گونه‌ای القا نمایند که به نام رهبری تمام شود؟ امروز وحدت ما هدف گیری شده است و وحدت به تفرقه تبدیل شده است!"

نشست خبرگان حکومت در شرایطی برگزار می‌شود که

اختلافات حکومتی در اوج خود بوده، جنگ و دعوای باندهای حکومتی دولت، مجلس، شورای نگهبان و مرجع تشخیص وارد دور جدیدی شده است. تداوم این وضعیت حکومت را با معضل و مشکل و وحشت جدی روبرو کرده است. تحریمها و فشار ناشی از آن دارد رژیم را از پا در می‌آورد، در یک چنین وضعیتی رفسنجانی در تلاش است، بار دیگر ضمن اعلام بیعت مجددش با خامنه ای پز "مرغ طوفان" حکومت را بازی کند و به باندهای دیگر حکومت و بیوزده دولت امر و نهي نماید. رفسنجانی می‌گوید که "شرایط نامناسبی" دوروبر حکومت در منطقه شکل گرفته است و از مقامات حکومت می‌خواهد که در اظهار نظر پیرامون تحریمها و اثرات آن بر اقتصاد ورشکسته حکومت دقت بیشتری کرده و اعلام می‌کند که تردید دارد که حکومت بتواند از اثرات تحریمها به دور باشد. اشاره او به ادعاهای پی درپی احمدی نژاد و امام جمعه‌های حکومت است که می‌گویند تحریمها هیچ تاثیری بر حکومت ندارد. رفسنجانی در این نشست خبرگان تمام تلاشش را به کار گرفت که وحدت حول ولایت و خودداری از تفرقه را روشن نماید و به شایعات پیرامون اختلافاتش با خامنه‌ای پایان دهد. اما در واقع اساس تلاش او اینست که نشان دهد او به خامنه‌ای بسیار نزدیک است و احمدی نژاد و شرکا دارند مدام رهبر را تضعیف می‌کنند. وی ضمن انتقاد از اقدامات "قرا قانونی" دولت در دور زدن مجلس و شورای نگهبان، تاکید کرد که: سیاستهای کلی نظام قانون نیست اما از هر قانونی بالاتر است و نادیده گرفتن آن معنا ندارد. نمی‌توانیم بگویم که مطیع رهبری هستیم اما این سیاستها را اجرا نمی‌کنیم. ایشان هر روز از چشم انداز ۲۰ ساله، سیاستهای کلی اصل ۴۴ و... صحبت می‌کنند که توسط مجمع نوشته شده و ایشان آنها را امضا می‌کنند.

سخنان اخیر رفسنجانی را تنها باید اعتراف یکی از سران حکومت به معضلات عمیق حکومت دید

بندبازی او میان جناحها و تلاش برای جدا کردن خامنه ای از احمدی نژاد و جسبانیدن به خود تلاش همیشگی و ناموفق او بوده است. این بار اما امیدوار است که در وضعیت بی‌سروسامان و منزوی حکومت و همچنین کشاکش گسترده درون جناح "اصولگرا"، و خطر خیزش مجدد مردم، بتواند یک قدم در این جهت موفق شود و به خامنه‌ای حالی کند که اگر به حمایتش از احمدی نژاد بیش از این ادامه دهد خود او نیز قربانی باند احمدی نژاد خواهد شد و درعین حال چیزی از نظام باقی نخواهد ماند.*

کتیبه کوروش و حکومت اسلامی



غلام اکبری

یکشنبه ۲۱ شهریور مراسم رونمایی (پرده برداری) از کتیبه کوروش پادشاه هخامنشی توسط احمدی نژاد یکی از خبرهای داغ روز در رسانه‌های جمهوری اسلامی بود. احمدی نژاد در این مراسم اعلام کرد: "امروز همه ملت‌ها متوجه این موضوع هستند که سخن از ایران صرفاً سخن از یک جغرافیا، نژاد و قوم خاصی نیست بلکه سخن از موجودیت انسان، فرهنگ و ارزش‌های اصیل انسانی، الهی، عدالت و یگانه پرستی است." در همین مراسم مشایبی رئیس دفتر ریاست جمهوری اسلامی اعلام کرد: "ملت‌ها بدانند ایرانیان جز خیر و صلاح برای دیگران هیچ نمی‌خواهند. تعقل، خردورزی، عشق، محبت، ولایت، عرفان، ادب، شعر و نقدگویی و غزل سرائی صفات میزبان ایرانیان است." سخنانی های اخیر احمدی نژاد و رئیس دفترش با عکس العمل‌های متفاوتی در درون حکومت روبرو شده است. آیت اله بهشتی یکی از سخنرانان پیش از دستور هشتمین نشست مجلس خبرگان در ۲۳ شهریور "با انتقاد از قرارداد مکتب ایران به جای مکتب اسلام بیان

داشت اینکه هر قومی بخواهد مکتب قومی خود را مقدم بر مکتب اسلام بدارد، اصل وحدت جامعه اسلامی متزلزل می‌شود. افتخار ما به ایرانی بودن بخاطر آن است که ایرانیان مکتب اسلام را پذیرفتند و ملت ایران قبل از ایرانی بودن، مسلمان است." از طرف دیگر جمشید برزگر رئیس رادیو و بسایت بخش فارسی بی بی سی در رابطه با پرده برداری منشور کوروش در ایران نوشته است: "بازگشت چهار ماهه منشور کوروش به ایران، پس از ماه‌ها مجادله و کشمکش، زمینه تازه‌ای را برای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران و همراهمان نزدیکش فراهم آورده است که بار دیگر و صریح تر از گذشته، در ستایش از نظام و چهره‌هایی سخن بگویند که در تاریخ سی و یک ساله جمهوری اسلامی، مطرود و ملعون و نشانه بارز طاغوت دانسته شده‌اند." ظاهراً احمدی نژاد در نقش یک رهبر فاشیست اسلامی نقش دومی هم همزمان به عهده گرفته است و آنهم ظاهر شدن در نقش ناسیونال-شونیست ایرانی است که شعار "هنر نزد ایرانیان است و بس" را هم می‌خواهد از دست ناسیونالیستهای وطنی خارج حکومت بگیرد. فراموش نکنیم که ۳۲ سال پیش وقتی مردم ایران علیه رژیم سلطنت پیا خاسته بودند، غرب خمینی را از نجف به پاریس برد و زیر نورافکن گذاشت و با کمک بلندگوهای تبلیغاتی ای نظیر بی بی سی وارد معادلات سیاسی آنروزهایشان کرد. ماموریت آنها این بود که ترمز انقلاب آزادیخواهانه مردم را بکشند و جنبش را به بیراهه ببرند. (با کشتار، زندان، شکنجه و شلاق بود که توانستند قیام ۵۷ را مهار کنند)

آنروزها طبیعی بود که برای گرفتن ژست مردم پسند، درهمراهی با مردمی که علیه سلطنت پیا خاسته بودند، شاه پهلوی و همه شاهان را طاغوت بخوانند. و امروز اگر جمهوری اسلامی در اوج انزوای سیاسی اقتصادی اش درحال غرق شدن دست به سوی هر تکه چوبی که بتواند چند لحظه بیشتر از غرق شدنش جلوگیری کند، دراز میکند و با دل و جان به آغوشش می‌گیرد. حتی اگر این تیکه شناور کتاب انقلاب سفید آریامهر باشد. یا کتیبه ۲۵۰۰ ساله کوروش. البته سعی میکنند با دستمال انداختن گردن سرباز هخامنشی و کاوه آهنگر هم "گلاسه شرعی" برای انصارشان درست کنند که ببیند حتی کاوه هم بسیجی شده! اگر ۴۰ سال پیش محمد رضا شاه به کوروش گفت آسوده بخواب که ایشان بیدار است. امروز احمدی نژاد بیرق زمین افتاده از دست ممد شاه را بر میدارد. هرچه باشد اسلام همیشه به کمک ناسیونالیسم و جنبشهای ناسیونالیستی عمل کرده و آخوند و آیت الله‌های بسیاری به برافراشته ماندن بیرق پادشاهی کمک کرده‌اند و شاهان بسیاری را به لقب "پادشاه اسلام پناه" ملقب کرده‌اند. امروز هم که اسلام و حکومت اسلامی به خطر افتاده است باید ناسیونالیسم و عرق ملی و فرهنگ ایرانی و "حقوق بشر کوروش" به کمک حکومت اسلامی سرمایه دارن بشتابد و به مردمی که از حکومت و قوانین اسلامی عمیقاً بریده‌اند و دست به کار به زیر کشیدن هستند، بقبولاند که این حکومت هم حاصل پیوند نامیمون همان دو پدیده یعنی ناسیونالیسم خودی و مذهب وطنی است. کمی برای این اداها دیر شده است اما امتحانش ضرری ندارد!*

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ : FEC، پلاریزاسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

آغاز فصلی داغ در اروپا...



کاظم نیکخواه، از صفحه ۱

حمایت کردند. ماه قبل یونان شاهد اعتصابات و شورشهای سراسری کارگری بود که توجه تمام دنیا را به خود جلب کرد. پیش از آن در ایتالیا شاهد اعتصابات گسترده کارگری بودیم و همچنین در اسپانیا کارگران دست به اعتصابی سراسری زدند. در کنگره فراسیون اتحادیه های کارگری بریتانیا "تی یوسی" که این روزها در منچستر برگزار شد فضای کنگره بسیار خشم آگین بود و تمام بحثها حول مقابله با دولت ائتلافی راست و میانه بود. لحن نمایندگان به نحو غیر معمولی رادیکال بود. نمایندگان میگویند ما بهای حیف و میلهای بانکها را نمی پردازیم. بانکهایی که خانه های مردم را وقتی یک ماه قسطنشان را نمی پردازند مصادره میکنند چرا باید وقتی ورشکست میشوند، مورد ملاحظت ما قرار گیرند. این کنگره یک برنامه اعتصاب و مقابله با سیاست ریاضت اقتصادی دولت را تصویب کرد و اعلام کرد که بر اساس این مصوبه اعتصابات گسترده ای را دستور خواهد گذاشت.

این مبارزات و اعتصابات، حرکتهایی که روی دادند و تمام شدند نیست. در واقع فاز تازه ای در فضای سیاسی اروپا شروع شده است که این اعتصابات و اعتراضات کنونی تنها سرآغاز آنست. مساله بطور خلاصه اینست که دولتهای اصلی اروپایی و از جمله نمونه هایی که اشاره کردیم با بحران مالی سال ۲۰۰۸ با کسر بودجه های عظیمی مواجه شدند. این کسر بودجه بخاطر وامهای تریلیونها دلاری بود که هزینه نجات بانکها و موسسات مالی و بعضا تولیدی کردند تا این بانکها و موسسات را از ورشکستگی نجات دهند. اکنون دولتهای اروپای مرکزی به دولتهای قرض مشهور شده اند. کسر بودجه های عظیم جزء وجودی آنهاست. وجود این کسر بودجه های عظیم کل اقتصاد این کشورها را بسیار ضربه پذیر ساخته است. امکان هرگونه مانوری را از آنها گرفته است و اعتماد بازار را از دولتها سلب کرده است. در نتیجه هیچ راهی برای این دولتها نمانده است که برای نجات اقتصاد، این کسر بودجه ها را خشی کنند یعنی از هزینه های خود آن قدر بزنند که بهره وامهای دهها میلیارد دلاری ای که بالا آورده اند بر

مردمی صورت میگرفت که هزار هزار از خانه هایشان بیرون انداخته میشدند و یا از کارخانجات اخراج میشدند و به سرنوشت خود رها میشدند. و این به اسکاندالی در این کشور تبدیل شد و اعتراضات گسترده ای را دامن زد. دولت اوپاما بلافاصله پس از رسمیت یافتن تلاش کرد از اهرم وامهای دولتی استفاده کند و برای افزایش حقوق مدیران کنسرنهای ماشین سازی و موسسات بزرگ مالی و بانکها محدودیت قانونی بگذارد. اما قبل از اینکه این محدودیتها به اجرا گذاشته شود بزرگترین بانکهای وام گیرنده که ظاهرا در حال ورشکستگی بودند اعلام کردند که وامهای دولتی را نمیخواهند و آنها را پس میدهند. و بطور واقعی هم شروع به بازپرداخت وامها کردند. یعنی نشان دادند که ظاهرا نیاز چندانی به آن وامها نداشته اند. بحث ما اینجا در مورد اروپاست اما با این مثالها خواستیم با ذکر نمونه هایی که در روزنامه ها و اخبار انعکاس گسترده ای یافت زمختی وضعیت را نشان دهم که در اروپا هم کمابیش به همین صورت است. با این تفاوت که در اروپا کارگران متشکل ترند، رزمند تر و رادیکال ترند و توانسته اند سنگرهایی را همچنان حفظ کنند.

بسته های ریاضت اقتصادی

دولتهای اروپایی اکنون با توجه با قرضهای سنگین تلاش دارند طرحهای ریاضت اقتصادی را به اجرا بگذارند. در فرانسه حکومت سارکوزی از افزایش سن بازنشستگی شروع کرده است و یک بسته کامل را برای بعد از آن در آستین دارد. در انگلستان که سنگین ترین قرضهای دولتی را دارد دولت ائتلافی محافظه کاران و لیبرال دموکرات ها طرحهای گسترده ای برای زدن از تأمینات اجتماعی و افزایش مالیاتها و انجماد دستمزدها و امثال اینها را مطرح کرده است. بهره وامهای دولتی انگلستان اکنون به ۵ درصد تولید ناخالص ملی بالغ میشود و بانک مصالحت بین المللی BIS چندی پیش هشدار داد که طی ده سال آینده بهره این وامها به ده درصد و بعد به ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی بالغ میشود که بسیار عظیم است. کشورهای مثل یونان و ایتالیا و اسپانیا و پرتغال و ایرلند از نظر اقتصادی در وضعیت بسیار نامطلوبتری از این کشورها قرار دارند و گرچه بعضا وامهایشان کمتر است

بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

از صفحه ۱

انسانی "طنین می اندازد. اگر دیکتاتوری و اختناق رونیای سیاسی سرمایه داری در ایران است، مبارزه دانشگاه و مدرسه برای آزادی به ناگزیر به مبارزه طبقه کارگری گره میخورد که همه این بساط سیاه برای حفظ بردگی مزدی او چیده شده و برای رهایی خود ناگزیر است همه انسانها را رها کند.

با شروع سال تحصیلی جدید حزب کمونیست کارگری همه دانشجویان، استادان، معلمان، دانش آموزان و خانواده های آنان را فرامیخواند تا با صفی متحد برای دوره ای سراسر مبارزه و جنب و جوش برای رهایی جامعه از شر بختک جمهوری اسلامی آماده شوند. نیازی به تاکید نیست که طلب کردن هر مطالبه و خواست رفاهی و صنفی، بدست آوردن هر ذره آزادی، مقابله با هر نمود تبعیض جنسیتی، اعتراض به هرگونه تحقیر انسانها و حاکمیت خرافه و جهل، عرصه های مهم مبارزه ما در محیط تحصیل است. اما آنچه که ما را در سطح سیاسی و لذا سراسری متحد میکند تاکید بر خواست های فوری مردم ایران نظیر آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، آزادی تشکل و تحزب و اجتماع، برابری بی قید و شرط زن و مرد، جدایی مذهب و از دولت، محاکمه آمران و عاملان جنایت های جمهوری اسلامی، افزایش دستمزد و تأمین زندگی شایسته و مرفه برای همه آحاد جامعه و در یک کلام پیوند زدن اعتراض دانشگاه به گسترش مبارزه و انقلاب مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی، آزاد و برابر است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ شهریور ۱۳۸۹، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰

اینست که بحران اقتصادی ای که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد گرچه با کمکهای دولتی بسیار عظیم و غول آسا تسکین یافت اما بهیچ وجه خاتمه نیافت و نمی توانست تمام شود. زیرا این بحران بحران رشد بانکدنگی سرمایه مالی و مجازی بود. وامهای دولتی جلوی انفجار ناگهانی این حساب اقتصادی مدام رشد یابنده را گرفت اما حساب بر

تمام مسا له نیست. یک واقعیت دیگر

درواضعی که مردم شدیداً عصبانی و مترصد گسترش مبارزات و به سرانجام رساندن انقلاب خویش هستند، آغاز سال تحصیلی تهدید آمیتر از هر سال است.

دانشگاه و مدرسه در کشور اختناق زده اسلامی چون ایران فقط عرصه کشاکش دائمی بر سر مسائل صنفی و مستقیماً مربوط به عرصه تحصیل با مجموعه خواستههای رفاهی، فرهنگی و سیاسی خاص آن نیست. بلکه یک سنگر مهم مبارزه عمومی کل جامعه برای رهایی از شر حکومتی سیاه و مذهبی است که سرمایه داری این عصر از گور بیرون کشیده و بر جامعه حاکم کرده است. دانشگاه و به درجه ای مدرسه در ایران سنگر آزادیخواهی و برابری طلبی و مبارزه حول پیشروترین مطالبات بوده و بویژه خاری در چشمان حریص حکومت آیت الله های میلیاردر است. نه جنایت های انقلاب فرهنگی دوره خمینی- موسوی ها و نه شبیخون اوپاش اسلام و اعلام جهاد علیه علم در دوره خامنه ای- احمدی نژادها هیچیک قادر به فتح این سنگر نبوده است. درست بهمین دلیل با شروع سال تحصیلی سرها به طرف دانشگاه و مدرسه برمیگردد. اینجاست که نفس حکومت مذهبی و حاکمیت خرافه و جهل صریح تر از هر جای دیگر به چالش کشیده میشود.

اینجاست که هر روز و هر لحظه به آبیاری جنسی نه گفته میشود. اینجاست که هر اجتماع و تحرک حتی صرفاً صنفی خواه و ناخواه مساله آزادی های سیاسی و جدال با کل حکومت را به میان میکشد. اینجاست که شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" یعنی شعارهای انقلاب اخیر مردم ایران فریاد زده میشود و به خیابان کشیده میشود. و اینجاست که پرچم "سوسیالیسم یا بریت" بالا می رود و شعار "آزادی، برابری، هویت

اما با بیکارهای گسترده تر و مشکلات اقتصادی گسترده تر و عمیقتری مواجه هستند. همه این دولتها اکنون طرحهای ریاضت اقتصادی را آماده کرده اند و تلاش میکنند به اجرا بگذارند.

بحران اقتصادی خاتمه نیافته است اما مقروض بودن دولتها هنوز تمام مسا له نیست. یک واقعیت دیگر

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

فرشته مرادی ۴۰۰ یورو	بهمن خانی ۴۰۰ یورو
سهیلا کیانی ۲۰۰ یورو	نوید مینایی ۱۵۰ پوند
سعید ویسی ۱۰۰ یورو	مرجان واعظ ۲۰۰۰ کرون
سعید صالحی نیا ۵۰۰ دلار	نیما آزاده ۱۰۰ دلار
شهاب کالیفرنیا ۱۰۰ دلار	شاملو اهواز ۶۰ دلار
برادران اهواز ۶۰ دلار	وفا تبریزی ۵۰ دلار
علی الف ۲۰ دلار	عباس ایاق ۲۰۰ دلار
محمود هستون ۱۵۰ دلار	علا فرهادپور ۱۰۰ دلار
منصور دالاس ۵۰ دلار	نیان احمدپور ۵۰ دلار
سیامک بهاری ۷۰۰ دلار	خلیل کیوان ۵۰۰ دلار
حسن صالحی ۲۰۰ دلار	سیما بهاری ۲۰۰ دلار
حمید تقوایی ۲۰۰ دلار	شهلا دانشفر ۲۵۰ پوند
کاظم نیکخواه ۲۰۰ پوند	آرمان علوی ۱۰۰ پوند



تلویزیون کانال جدید در شبکه هات برد

کانال جدید مجدداً به خاله های مردم ایران راد بخته است
کانال جدید صدای مردم محرومی است که می خواهند
از این زندگی سیاه و فلاکتبار اسلامی خلاص شوند
کانال جدید صدای اعتراض و مبارزه علیه
حکومت دزدان میلیاردی و آدمکشان حرفه ای است
کانال جدید امید مردم به تغییر را تقویت می کند
کانال جدید صدای مائستور را در ایران می شنکند
و از همه آزادیخواهی و عدالت خواهی و برابری
طلبی دفاع می کند

کانال جدید صدای اعتراض سالزمان یافته

علیه مجازات های غیر بشری متنگمار و اعدام و شلاق و شکنجه است

به کانال جدید، صدای اعتراض و مبارزه خود کمک مالی کنید

ساعات بخش: 8 تا 10 شب به وقت اروپای مرکزی (10 و نیم تا 12:30 به وقت ایران)
منخصات ماهواره:

هات برد - فرکانس 11200- اف ای سی 6 / 5 عمودی سیمبل ریت 27500 شبکه KBC

بخش زنده کانال جدید هر روزه از طریق سایت کانال جدید نیز قابل مشاهده است 10 و نیم تا 12 و نیم شب به وقت ایران - 8 تا 10 شب به وقت اروپای مرکزی و 7 تا 9 شب به وقت انگلیس
www.newchannel.tv

فانی است لینک زیر را باز کنید و از طریق پی پال (paypal) آنتن کمک خیر را واریز کنید
nctv.tamas@gmail.com شماره تلفن تماس: 0013108568987
<http://countmein-iran.com/donate.html>

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانی آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانی با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیری، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشی از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانی با شماره های زیر تماس بگیری:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

آغاز فصلی داغ در اروپا...

از صفحه ۶

بطور خلاصه چشم انداز کنونی
بویژه در اروپای مرکزی، گویای یک دوره
فوران جدالهای اجتماعی گسترده است.
بی ثباتی سیاسی، سقوط پی در پی
دولتها، ایجاد دولت‌های ائتلافی و
اقلیت، یک نتیجه این وضعیت است.
کارگران و اکثریت مردم میدانند که
راهی جز دست زدن به اعتصابات و
اعتراضات برای دفاع از زندگیشان
ندارند. امروز در اروپا بدون اغراق این
یک آگاهی و ذهنیت پذیرفته شده
عمومی است. کارگران شدت معترض
و از نظر روحی آماده مبارزه اند. به
جریان افتادن اعتصابات و اعتراضات
گسترده در مقابل تعرض دولت‌ها گریز
ناپذیر است. در عین حال در اردوی
کارگران و مردم افق روشن و احزاب
رادیکالی که بخواهند دست به تحولات
رادیکال بزنند مشاهده نمی‌شود.
اتحادیه‌های کارگری کنونی بهیچ وجه
ابزار مبارزه این دوره نیستند. آنها نیز
کاملاً از منطق موجود سرمایه دنباله
روی میکنند. این جدالها فوری ترین
نتیجه اش میتواند راندن اتحادیه ها تا
منتها الیه ممکن به سمت چپ و جلو
راندن فعالین رادیکال و سوسیالیست
کارگری باشد. اما اینکه آیا این
تحولات به ظهور و یا قدرت گیری
احزاب و جریان‌های اجتماعی کمونیست
و رادیکالی که پاسخ روشنی در برابر
چشم انداز تیره و تار سرمایه داری
داشته باشند بینجامد در شرایط کنونی
جای تردید بسیار است. آنچه روشن
است در چشم انداز بودن بدون تردید
تنشها و جدالهای اجتماعی و
اعتصابات کارگری گسترده است.*

میگیرند. دیگر نه تئوری اقتصادی
کینز نه فریدمن نه مدرسه شیکاگو و نه
اقتصاد رفاه و نه هیچ تئوری و
استراتژی دیگری معتبر شناخته
نمیشود. سرمایه دولتی قبلاً در روسیه
و بلوک شرق شکست خورد و به بن بست
رسید و بازار آزاد و سرمایه داری "خود
کنترل دوره اینترنت" نیز در تمام
تنوعات خود به هرچ و مرجی بی انتها
انجامیده است. نکته دیگری که باید در
این رابطه اشاره کرد اینست که هرگاه
سرمایه داری دچار بحرانهای بزرگی در
حد کنونی شده، که نمونه‌های قبلی آن
یکی بحران سال ۱۹۰۷ بود و دیگری
بحران سال ۱۹۲۹ بدنبال آن جنگهای
جهانی درگیر شده و این جنگها در پس
نابودسازیه‌ها و کشتارها و جنایات
عظیم توانسته است با نابودی بخش
عظیمی از ثروتها و دستاوردهای
اجتماعی، سرمایه داری را دوباره روی
غلطک بیندازد و کار و تولید و داد و
ستد و خرید و فروش را فعال کند. یکی
از دلایل روی چرخش افتادن سرمایه
بعد از جنگهای جهانی، پایین کشیدن
نیازها و انتظارات اکثریت مردم و
ایجاد یک نیروی کار ارزان و بی توقع و
مطمیع بوده است. سرمایه برای خروج از
بحران به چنین نیرویی نیاز حیاتی دارد.
اکنون در شرایط کنونی بحران هست
اما چنین نیروی کم توقعی که تنها زنده
ماندن را نعمتی بدانند وجود ندارد.
کارگران و مردم توقعات و انتظارات
بالایی از زندگی دارند و با برنامه های
ریاضت اقتصادی و پایین کشیدن سطح
زندگی شان به راحتی کنار نمی آیند.

سر جای خود باقی ماند. ابعاد بحران
آنچنان بود که خیلی از روزنامه ها و
مجلات و نهادهای اقتصادی "پایان
سرمایه داری" را تیتیر زدند و از آن سخن
گفتند. اعلام کردند و بحث کردند که
مارکس حق داشت. بطور خلاصه کاری
که وامها و کمکهای سخاوتمندانه
دولتی به بانکها و کنسرنهای مساله
دار کرد این بود که مانع سقوط کامل
اقتصاد شدند. اکنون در اردوی سرمایه
یک سردرگمی تمام عیار حاکم است.
هیچ سیاست و استراتژی اقتصادی ای
دیگر معتبر شناخته نمی‌شود. هیچ
کس بروشنی نمیداند چه اتفاقی خواهد
افتاد. یک بحران استراتژی کامل حاکم
است. چشم ها به سوی معجزه
کشورهای موسوم به اقتصادهای بالنده
یا emerging economies یعنی
چین و هند و روسیه و برزیل دوخته شده
است که با تحریک صادرات و واردات و
سرمایه گذارهای جدید کشورهای
مختلف سرمایه داری را از سقوط
کامل نجات دهند. اما چگونگی همین
امر نیز بروشنی معلوم نیست
بیشتر شبیه یک خوش خیالی و یا خوش
بینی و امید است. اینکه مشکلات و
معضلات خود این کشورها چگونه
است و چه تاثیری میتوانند داشته
باشند بحث اینجا نیست. نکته ای که
میخواهم در این قسمت تاکید کنم
اینست که همه چیز به معجزه واگذار
شده است. دولتها و اقتصاددانان و
تئورسین های سرمایه داری بدون هیچ
استراتژی دراز مدتی از این روز به آن
روز کار میکنند و تصمیمات اقتصادی

اخباری از اعتراضات به اخراج و نپرداختن دستمزدها

تجمع ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی فازخ قزوین در تهران

روز سه شنبه ۲۳ شهریور ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ در اعتراض به ۸ ماه دستمزد پرداخت نشده خود و وضعیت بلا تکلیف کاری شان در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران تجمع کردند. در آغاز مرداد ماه امسال بود که این کارگران یک تحصن ۴ روزه در مقابل مجلس را شروع کردند که با وعده هایی که به آنها داده شد و قول پرداخت یکماهه از طلبهایشان، به قزوین بازگشتند. اما پس از آن به جز پرداخت یکماهه دستمزد خبری از وعده های داده شده و باقی طلبهایشان نشد. کارگران مجدداً در مقابل کارخانه و همچنین مقابل سازمان صنایع در قزوین تجمعات مختلفی برپا داشتند. در ادامه این اعتراضات بود که روز ۲۳ شهریور دوباره این کارگران در اعتراض به اینکه چرا به وعده های داده شده عمل نشده است، و چرا هشت ماه طلب آنان پرداخت نمیگردد، به تهران آمدند و تجمع کردند. این تجمع تا ظهر این روز ادامه داشت و کارگران بیشتری به جمع آنها پیوستند. اعتراضات کارگران نازنخ ادامه دارد.

تجمع مجدد کارگران کارخانه چینی البرز

از ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۲۲ شهریور نزدیک به ۷۰ نفر از کارگران کارخانه چینی البرز قزوین در اعتراض به ۱۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل این کارخانه تجمع

کردند. بنا بر گزارشتها کارخانه چینی البرز همه کارگران قراردادی اش را قبل از فروردین ۸۹ اخراج کرده است و اکنون تنها ۱۸۶ کارگر استخدامی با سابقه های بالای ۱۹ سال تا ۲۵ سال در آنجا به کار اشتغال دارند که از زمستان گذشته این کارگران نیز تحت عنوان ورشکستگی کارخانه و صدور حکم انحلال آن در بلا تکلیفی بسر میبرند. کارگران به این وضعیت نابسامان و عدم دریافت بیش از یکسال دستمزد خود معترضند.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی سازه های برق آذربایجان

کارگران اخراجی شرکت سازه های برق آذربایجان در مقابل فرمانداری تبریز تجمع کردند و به اخراج دستجمعی خود اعتراض کردند. روز ۲۲ شهریور تعدادی از کارگران اخراجی شرکت تولید سازه های برق آذربایجان که اغلب تا بیست سال سابقه کار دارند، در اعتراض به اخراج خود در مقابل فرمانداری تبریز تجمع کردند. خبرها حاکی از آن است که مدیریت این شرکت بدون هیچ اطلاع قبلی اعلام نمود بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران این شرکت از کار بیکار خواهند گردید. کارگران با مراجعات مکرر به مسئولین شرکت تا کنون هیچ پاسخ روشنی نگرفته اند. تحت فشار اعتراض کارگران فرمانداری تبریز وعده رسیدگی به موضوع اخراج کارگران را داد و کارگران معترض به تجمع خود خاتمه دادند و اعلام کردند در

صورتیکه پاسخی به آنها داده نشود، دوباره اعتراضاتشان را ادامه خواهند داد.

کارخانجات لوازم خانگی آردل در تهران

کارگران کارخانه آردل خواهان دستمزدهای پرداخت نشده خود هستند. هشتاد نفر از کارگران کارخانه لوازم خانگی آردل واقع در غرب تهران سه ماه است حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند. این کارگران از مرداد تا کنون در رابطه با وضعیت نابسامان خود تجمعات متعددی در مقابل دفتر مدیریت شرکت برپا کرده اند. اما مدیریت کارخانه با دست بسر کردن کارگران آنان را در بلا تکلیفی قرار داده است. رسول تقی گنجی صاحب کارخانه آردل و پیش از هشتاد کارخانه کوچک و بزرگ دیگر که در آمریکا زندگی افسانه ای دارد فردی بنام وفایی را بعنوان مسئول هیئت مدیره کارخانه آردل گمارده است. کارگران معترض میگویند هدف مدیریت کارخانه آردل دست بسر کردن، فرسوده کردن و بلا تکلیف نگاهداشتن کارگران است، تا ما دست از اعتراض برداریم و از طلبهای عقب افتاده خود کوتاه بیاییم. اما ما به اعتراضاتمان ادامه میدهیم. وضعیت مشقت بار و گرانی سرسام آور مخصوصاً در ایام بازگشایی مدارس که باید برای فرزندانمان امکانات تحصیلی فراهم کنیم بصورت غیر قابل تحمیلی درآمده است، مدیریت باید بداند که ما چاره ای بجز احقاق حق خود نداریم و به مبارزاتمان ادامه خواهیم داد.

کارخانه آزمایش در مرودشت

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جانباختن کارگران است!

کاربران، بناها و تاسیسات و اراضی اطراف خطوط لوله، سهل انگاری از اطلاع رسانی عمومی به ساکنین محل، موجب فاجعه مرگباری گردید که به سادگی قابل پیشگیری بود. جمهوری اسلامی چند روز پس از وقوع حادثه کماکان با ارائه اطلاعات ناصحیح سعی دارد ابعاد این فاجعه مرگبار را پنهان کند و از مسئولیت مستقیم خود شانه خالی کند. حتی نام کشته شدگان را اعلام نمی کند.

حادثه مرگبار انفجار در خطوط لوله گاز برای چندمین بار طی مدت کوتاه روی میدهد، هنوز خاطره دردناک انفجار دکل چاه شماره ۲۴ منطقه نفت شهر، شهرستان قصرشیرین در هشتم خرداد ماه که

قابل مشاهده بود. منطقه بمدت سه ساعت به جهنمی از آتش بدل گردید. ۹ نفر از کارگران و کارکنان با صد در صد سوختگی در آتش سوزی مهیب انفجار خط لوله گاز سرخس جان باختند و بیش از ۲۰ نفر دیگر با جراحات خطرناک به بیمارستانهای فاقد امکانات پزشکی لازم منتقل گردیدند. اجساد کارگران چنان سوخته است که تشخیص هویت شش تن از آنان امکان پذیر نبوده است. نبودن استانداردهای لازم در خطوط انتقال گاز در صنایع گاز ایران و عدم رعایت مقررات حریم و مسیر لوله گاز و بکارگیری فاکتورها، طراحی های غیر مسئولانه و بی مبادلاتی در تامین ایمنی کارگران و ساکنین و یا

ساعت یازده و سی دقیقه روز جمعه ۱۹ شهریور ماه در منطقه مزداوند - کیلومتر چهل خط لوله گاز سرخس، مشهد انفجار مهیبی بر اثر برخورد یک دستگاه بیل مکانیکی (ساید بوم) با خط لوله گاز که از پالایشگاه خانگیران سرخس، گاز ترکمنستان را به مشهد انتقال می دهد روی داد. هنگام انفجار تعدادی از پرسنل شرکت پیمانکار شرکت ملی گاز در حال کار بودند که بدلیل ریزش خاکریز سطحی و لغزش جرثقیل بر روی خط لوله گاز، انفجار مهیبی بوقوع پیوست. شدت انفجار و تراکم گاز محوطه ای به شعاع سیصد متر را به کام خود کشید، بطوری که شعله های آتش از فاصله ۶۵ کیلومتری

۱۸۰ کارگر که همگی بیش از بیست سال سابقه کار دارند، هر روزه به کارخانه میروند و با مدیریت و حراست بر سر دستمزدهای پرداخت نشده خود درگیرند و حق و حقوق خود را مطالبه میکنند. کارخانه آزمایش مرودشت یک کانون دائمی اعتراض کارگران است.

نپرداختن دستمزدهای کارگران یک جرم آشکار و یک جنایت بیشرمانه در حق کارگرانی است که حتی اگر حقوقشان تماماً هم پرداخت شود کفاف زندگی شان را نمیدهد. در ایران تحت حکومت منفور اسلامی سرمایه داران زندگی و معیشت خانواده های کارگری تبدیل به بازیچه دست مشتکی سرمایه دار انگل شده است. کارگران هرروز در اعتراض به نپرداختن دستمزدهای دست به اعتراض و تجمع و اعتصاب میزنند اما هنوز جای یک حرکت قدرتمند و سراسری کارگران خالی است. رهبران کارگری باید تلاش کنند این مبارزات بهم پیوندند و بخشهای مختلف کارگران حکومت و سرمایه داران حریص و مفتخور را زیر فشاری جلی قرار دهند. باید تلاش کرد تمامی کارگران حتی بخشهایی که فعلاً با معضل دستمزد پرداخت نشده مواجه نیستند این مشکل را مشکل خود بدانند و فعالانه در اعتراضات شرکت کنند. جنبش سراسری برای مقابله ای جلی با کارفرمایان را باید به جریان انداخت و همزمان بر افزایش چندین برابر دستمزدها تاکید و پافشاری کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ شهریور ۱۳۸۹، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰

فجایعی میگردد. همه دست اندرکاران و مسببین این کشتار، باید محاکمه گردند. خانواده کارگران جان باخته باید تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و از زندگی ای انسانی برخوردار شوند. کارگرانی که دچار سوختگی و آسیب جانی شده اند، باید از استانداردهای بالای درمانی و رایگان برخوردار شوند. تامین امنیت جانی کارگران مستقیماً بعهده کارفرمایان است. محیط کار باید با آخرین استانداردهای شناخته شده بین المللی مجهز گردد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ شهریور ۱۳۸۹، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ شهریور ۱۳۸۹، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰

نزدیک به ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه آزمایش مرودشت روز چهارشنبه ۱۷ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن شش ماه دستمزدهایشان مقابل دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کردند و در اعتراض به پایمال شدن حقوقشان با مدیریت کارخانه درگیر شدند. سهامداران این شرکت عمدتاً از سران دولت و وابسته به مقامات حکومتی هستند. کارخانه آزمایش جزو شرکتهای تحت پوشش پیام میباشند. از فروردین تاکنون تنها دستمزد دوماه کارگران آنهم بصورت ماهیانه صد هزار، شصت هزار و هشتاد هزار تومان و بصورت تکه تکه و مانند صدقه به کارگران پرداخت گردیده است. کارگران حتی با سابقه کاری طولانی از حق بیمه تکمیلی، بیمه عمر، بیمه حوادث و غیره محرومند. کارخانه آزمایش در سال ۱۳۳۷ در تهران تاسیس شد و در سال ۱۳۵۴ یک شعبه این کارخانه در مرودشت دایر گردید و در سال ۱۳۵۷ به بهره برداری رسید در آن زمان در این کارخانه ۱۸۵۰ کارگر به کار اشتغال داشتند که ۱۴۰۲ نفر آنها کارگر رسمی و ۴۵۰ نفر کارگر قراردادی بودند. این کارخانه از سال ۱۳۸۴ به بخش خصوصی واگذار گردید و به بهانه کمبود نقدینگی فشار بر روی کارگران افزایش یافت. تولید کارخانه عملاً به صفر رسید و تجهیزات و وسایل تولید کارخانه بفروش گذاشته شد و تنها مشتکی وسایل اسقاطی بجا ماند. بدنبال این اخراج و بیکارسازی کارگران شروع شد. اکنون از ۱۸۵۰ کارگر این کارخانه تنها ۱۸۰ نفر سر کار باقی مانده اند. درحال حاضر این

دراثر آن سه نفر در دم کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند در یادهای مانده است که باز بی توجهی مسئولان در تامین ایمنی محیط های کار، فاجعه دیگری آفرید. محیط های ناامن کار قتلگاه کارگران است. مسئول مستقیم این فاجعه درناک کسی بجز سران این حکومت ضد بشری نیست. جمهوری اسلامی یکی از بالاترین آمارها از سوانح مرگبار در محل کار را بخود اختصاص داده است.

حزب کمونیست کارگری ایران این فاجعه را عمیقاً به بازماندگان و خانواده های کارگران تسلیت میگوید. این فاجعه گوشه ای دیگر از جنایات جمهوری اسلامی سرمایه داران را افشا میکند. بی ارزش بودن جان کارگران و عدم تامین سلامت کارگران در محیط های کار سبب چنین



برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

تظاهرات برای آزادی کارگران زندانی در مقابل سفارت رژیم اسلامی در اسلو جمعه ۱۷ سپتامبر ساعت ۲ بعد از ظهر

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده همچنان در سیاه چالهای جمهوری اسلامی دریندد. در ادامه کمپین برای آزادی کارگران زندانی، و به دنبال تماس‌های کمیته همستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران، اتحادیه کارگران ترانسپورت نروژ تظاهراتی را در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی و برای آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی برگزار می‌کند. کمیته نروژ حزب کمونیست کارگری از همه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری جنایت اسلامی می‌خواهد که در این تظاهرات فعالانه شرکت کرده و خواهان آزادی همه کارگران دریندد و همه زندانیان سیاسی شوند. ما از همه آزادیخواهان می‌خواهیم که با شرکت فعال خود بر خواست قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک با رژیم اسلامی و بستن سفارت رژیم در نروژ تأکید کنند و خواستار سرنگونی حکومت اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه شوند. زمان: جمعه ۱۷ سپتامبر ساعت ۲ بعد از ظهر مکان: اسلو، مقابل سفارت جمهوری اسلامی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته نروژ

Saber Rahimi
rahimi37@yahoo.com
Tlf. 0047-98 69 40 01

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور
خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹
تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
آدرس پستی:
I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

کنند و وسیعاً به این حرکت اعتراضی پیوندند و به هر شکل که میتوانند ما را در این کارزار جهانی یاری رسانند.

ما همچنین تلاش داریم که حمایت وسیع اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان را در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران جلب کنیم. شرکت در تظاهرات روز کارگر در کانادا، برپایی آکسیون‌های اعتراضی با عکس کارگران زندانی در شهرهای فرانکفورت و مالمو و اسلو، و در ادامه تلاشهای فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی، اعلام آکسیون اعتراضی در روز ۱۷ سپتامبر از سوی اتحادیه کارگران ترانسپورت در نروژ، از جمله این تلاشهاست. تا هم اکنون این دستگیرها از سوی اتحادیه‌های ژت در فرانسه، اتحادیه ساختمانی معادن و جنگلبانی بخش ساختمانی، دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه بین المللی کارگران، اتحادیه کارگران پست کانادا، اتحادیه کارگران صنایع تولیدی استرالیا، اتحادیه بین المللی ترانسپورت، عفو بین الملل این دستگیرها محکوم شده و آنها طی نامه‌هایی اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی، خواهان آزادی فوری کارگران زندانی و حق کارگران در داشتن تشکل‌های خود و آزادی برپایی تجمعات و حق برپایی مراسم اول مه تأکید شده‌اند. همچنین آی تی اف در کنگره اخیر خود در مکزیکو سیتی حمایت خود را از کارگران زندانی شرکت واحد و همه کارگران زندانی و سرکوب کارگران و فعالین سیاسی در ایران اعلام داشت.

این همستگی جهانی ادامه دارد، خود را فعال کمپین برای آزادی کارگران زندانی بدانید و به هر شکلی که میتوانید این کارزار را تقویت و پشتیبانی کنید

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر
0044-77798 98968
Shahla_Daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
0044-7852 338334
Bahram.Soroush@gmail.com
ail.com

۲۴ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۰

حکم یکسال دیگر زندان برای منصور اسانلو تأیید شد

منصور اسانلو باید فوراً از زندان آزاد شود

سندیکی کارگران شرکت واحد متحد و یکپارچه علیه این احکام جنایتکارانه اعتراض کنیم.

بنا بر خبر سندیکی کارگران شرکت واحد رضا شهابی از ۲۲ خرداد دستگیر شده و بیش از سه ماه است که بلا تکلیف در زندان اوین بسر میبرد. او به دلیل درد از ناحیه کمر و گردن در حالی در زندان است که روزهای یکشنبه به صورت تلفنی و پنجشنبه‌ها از طریق ملاقات کابینی با خانواده خود در ارتباط است. بنا بر خبرها رضا شهابی در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. همچنین ابراهیم مددی که به سه سال و نیم زندان محکوم شده است، هم اکنون بیش از دو سال است که در زندان اوین بسر میبرد و حتی از امکانات استفاده از مرخصی محروم است. علاوه بر این سه کارگر شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک نیز از ۲۲ خرداد در زندان است و علیرغم اینکه صد میلیون وثیقه برای آزادی وی تعیین شده است و این وثیقه را خانواده اش آماده کرده‌اند، هنوز در زندان بسر میبرد. منصور اسانلو، رضا شهابی، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

آزادی کارگران زندانی یک اقدام عملی و فوری برای کارگران است. میتوان با اعتصابات اضطراری، و با مبارزه ای متحد نه تنها کارگران زندانی بلکه تمام زندانیان سیاسی را از زندان آزاد کرد. هفده هزار کارگر شرکت واحد نقش مهمی در این مبارزه دارند. با مبارزات متحد خود برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم.

طومار اعتراضی "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در جریان است. تا کنون بسیاری از فعالین کارگری که بیشتر از فعالین اتحادیه‌های کارگری از کشورهای مختلف هستند و نیز فعالین سیاسی و انسانیهای آزادیخواه

این طومار را امضا کرده و همبستگی خود را با آن اعلام داشته‌اند. ما از همه کارگران، معلمان، دانشجویان و همه انسانیهای آزادیخواه در سراسر جهان می‌خواهیم که طومار اعتراضی "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" را امضا

در اطلاعیه‌های قبل به اطلاعات رساندیم که منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکی واحد روز یکشنبه ۱۰ مرداد در شعبه ۱ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در کرج مجدداً مورد محاکمه قرار گرفت و بدنبال این محاکمه، به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس تعزیری محکوم شد. اکنون بنا به خبر منتشر شده از سوی سندیکی کارگران شرکت واحد، حکم یکسال زندان منصور اسانلو در دادگاه تجدید نظر استان تهران قطعیت یافته است. این درحالیست که منصور اسانلو از قبل به ۵ سال زندان محکوم شده بود و هم اکنون ۴ سال است که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرد.

منصور اسانلو از بیماریهای مختلفی چون بیماری قلبی، کمر درد و ناراحتی چشم رنج میبرد و تا کنون پزشکی قانونی این رژیم سه بار رای بر عدم تحمل زندان برای او داده است و حتی کمیسیون پزشکی رژیم که از ۵ دکتر تشکیل شده بود او را برای چندین ساعت مورد معاینه پزشکی قرار داده و در گزارش خود رای بر آزادی وی از زندان داده است، اما منصور اسانلو همچنان در زندان است و حتی در همین مدت بارها وی را بدون دلیل به سلولهای انفرادی منتقل کرده‌اند و مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

پرونده منصور اسانلو و زندانی بودن او، خود یکی از بن بست‌های سیاسی جمهوری اسلامی است. از اینرو مرتباً برای او دادگاه برپا میشود و با اتهامات جدید تلاش دارند تا وی را در زندان نگاه دارند.

منصور اسانلو به ۶ سال زندان محکوم شده است، بخاطر تلاشش برای ساختن سندیکی شرکت واحد، بخاطر برپایی اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴، صدور حکم زندان برای منصور اسانلو را شدیداً محکوم کنیم و با تمام قوا برای آزادی او و همه زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم.

سندیکی کارگران شرکت واحد طی اطلاعیه‌ای تأیید حکم یکسال زندان برای منصور اسانلو و ادامه بازداشت رضا شهابی و ابراهیم مددی دو عضو هیات مدیره سندیکی واحد را محکوم کرده است. همراه با

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

هزاران نفر از مردم پاریس در میتینگ خواهان آزادی سکینه و لغو سنگسار شدند

مینا احدی در این تظاهرات از مردم فرانسه و جهان خواست برای سرنگونی جمهوری اسلامی از مردم ایران حمایت کنند



قطعه‌نامه امروز این میتینگ بزرگ است.

سجاد از طریق تلفن خطاب به این اجتماع گفت از مردم فرانسه و از خانم احدی تشکر میکنم. ما پدرمان را از دست دادیم و الان جمهوری اسلامی میخواهد مادرمان را هم از ما بگیرد. مادر ما صددرصد بیگناه است و باید آزاد شود. در این اجتماع نامه سجاد و سعیده به مردم دنیا نیز که به زبان فرانسوی ترجمه شده بود قرائت شد. آقای هوتن کیان نیز از طریق تلفن خطاب به این اجتماع گفت که تعویق حکم اعدام سکینه مصرف خارجی دارد که به قصد آرام کردن کمپین جهانی صادر اعلام شده است.

گزارش مشروح میتینگ بزرگ پاریس در اطلاعیه‌های بعد منتشر خواهد شد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

از صفحه ۱

هزاران نفر از مردم پاریس ...

تحت ستم و مردم ایران و برای آزادی سکینه کرد که بارها با کف زدن مردم قطع میشد. مینا احدی از جمله گفت به نمایندگی از طرف سکینه و همه زنانی که در زندان های جمهوری اسلامی، عراق و سودان و ... تحت وحشیانه ترین شرایط به سر میبرند اعلام میکنم که اگر دنیا بداند که جمهوری اسلامی و دولتهای سودان و عراق و ... با زنان چه میکند، علیه این حکومت ها بلند میشود و اجتماع امروز مردم پاریس یک نمونه مهم آن است. از طرف مردم ایران اینجا اعلام میکنم که جمهوری اسلامی یک حکومت تروریستی است و تروریسمش را از سی سال قبل علیه زنان و مردم ایران شروع کرد و این حکومت باید سرنگون شود. به مردم ایران کمک کنید که این رژیم را سرنگون کنند. امروز دنیا بلند شده است که بگوید سنگسار باید همه جا ممنوع شود و این در واقع

اجتماع هزاران نفره امروز مردم پاریس در دفاع از سکینه محمدی آشتیانی و علیه مجازات وحشیانه سنگسار یک پیشرفت سیاسی مهم در کمپینی است که سه ماه است با قدرت در سراسر جهان ادامه دارد. در اجتماع امروز در میدان جمهوری پاریس، عکس بزرگی از سکینه پشت سن سخنرانان نصب شده بود و دهها هنرپیشه و خواننده و شخصیت های سرشناس سیاسی از جمله ژسکار دیستن رئیس جمهور سابق فرانسه سخنرانی کردند و یا برای نجات سکینه پیام دادند. وزیر دفاع و وزیر زنان فرانسه، سردبیر مجله ال و تعداد دیگری از سخنرانان در سخنرانی های خود علیه وحشیگری سنگسار صحبت کردند و خواهان آزادی سکینه شدند.

مینا احدی که به این میتینگ دعوت شده بود سخنرانی آتشینی علیه جمهوری اسلامی، در دفاع از زنان

اطلاعیه شماره ۶۹: سکینه را بار دیگر مجبور به مصاحبه تلویزیونی کردند

تا زمینه را برای اعدام او فراهم کنند و این آینه تمام نمائی از بی حقوقی تمام عیار زندانی در جمهوری اسلامی و بی حقوقی کامل مردم ایران و از طرف دیگر نشان دهنده استیصال تمام عیار حکومت است.

ما مصاحبه صدا و سیما منفور جمهوری اسلامی با سکینه را محکوم میکنیم و خواهان لغو حکم اعدام و سنگسار او و آزادی فوری و بی قید و شرط او میباشیم. همگان را به شرکت هرچه وسیعتر در تظاهرات سراسری روز ۱۸ سپتامبر دعوت میکنیم. پاسخ جمهوری اسلامی فقط گسترش اعتراض در ایران و در سطح بین المللی است. کمیته بین المللی علیه سنگسار کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰

لینک مصاحبه صدا و سیما جمهوری اسلامی با سکینه:

http://sarbaze-vatan.blogspot.com/2010/09/blog-post_5165.html

بی حقوقی و محرومیت زندانی را نشان میدهد. اگر سکینه از کوچکترین آزادی بیانی برخوردار بود اولین جمله اش این میبود که چرا یک ماه است مرا از دیدن سجاد و سعیده و وکیل و حتی تماس تلفنی با آنها محروم کرده اید؟ و جمله دوم و سومش این بود که چرا در حکومت شما زن انسان محسوب نمیشود، چرا و به چه جرمی مرا شلاق زدید، به چه جرمی مرا به سنگسار محکوم کردید و پنج سال در زندان نگه داشتید؟ چرا پرونده بسته مرا دوباره به وسط کشیدید، چرا به خانه و دفتر وکیل حمله کردید و پرونده مرا دزدیدید و چرا در رسانه هایتان علیه من جوسازی میکنید؟

کلیک حکومت از دم و دستگاه قضائی و صدا و سیما و دستگاه دیپلماسی اش، علیه یک زن زندانی که رابطه اش را تماما با دنیای خارج قطع کرده و از هر حقی برای دفاع از خود محروم کرده اند، بسیج شده اند

کلیک حکومت از دم و دستگاه قضائی و صدا و سیما و دستگاه دیپلماسی اش، علیه یک زن زندانی که رابطه اش را تماما با دنیای خارج قطع کرده و از هر حقی برای دفاع از خود محروم کرده اند، بسیج شده اند

یکبار دیگر روز چهارشنبه سکینه محمدی آشتیانی در برنامه ۸ و ۳۰ شب صدا و سیما جمهوری اسلامی ظاهر شد که بگوید شکنجه نشده ام و مصاحبه بار قبل نیز به تصمیم خودم بوده و آنچه علیه خودم اعتراف کرده ام حرف خودم بوده است.

در حالیکه یک ماه است سکینه را از ملاقات با فرزندان و وکیلش محروم کرده اند و رابطه او با دنیای خارج را کاملا قطع کرده اند، او را به تلویزیون میاورند تا آنچه به او دیکته کرده اند را بر زبان آورد. معلوم نیست چرا یک زندانی در یک رسانه ظاهر میشود که آزادانه! فقط علیه خودش اعتراف کند و هیچ اعتراضی به آنچه بر او رفته است نکنند! شوهای تلویزیونی وزارت اطلاعات و دم و دستگاه قضائی رژیم با زندانیان تحت عنوان مصاحبه، امروز برای همه مردم دنیا شناخته شده است، اما خود این مصاحبه نیز به حد کافی

اطلاعیه شماره ۷۰: امروز هم به سجاد ملاقات ندادند

امروز پنجشنبه طبق معمول سجاد به زندان تریز مراجعه کرد تا مادرش را ملاقات کند. به او گفتند سکینه ممنوع الملاقات است و "تو هم مزاحم ما نشو و دیگر به اینجا نیا. هر وقت امکان ملاقات باشد خودمان اطلاع میدهم." و این در هر هفته ادامه دارد.

امروز پنجشنبه طبق معمول سجاد به زندان تریز مراجعه کرد تا مادرش را ملاقات کند. به او گفتند سکینه ممنوع الملاقات است و "تو هم مزاحم ما نشو و دیگر به اینجا نیا. هر وقت امکان ملاقات باشد خودمان اطلاع میدهم." و این در هر هفته ادامه دارد.

این سران رژیم اسلامی هستند که باید به جرم ۳۱ سال اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه به محاکمه کشیده شوند.

رفتار شنیع جمهوری اسلامی با سکینه و فرزندانش را شدیداً محکوم میکنیم و اعلام میکنیم که سکینه باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شود.

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

Spokesperson: Mina Ahadi minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

سجاد و سعیده خطاب به مردم دنیا

۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰

سجاد و سعیده خطاب به مردم دنیا

این روزها

هنوز

در جستجوی خودمان

سرگردانیم...

هر چه می گذرد

پیچیده تر می شویم

نا مفهوم تر

و معنای زندگی

گنگ تر...

قسم می خوریم

در کودکی

رازهای جهان را

می دانستیم

و زبان گلها

و پروانه ها را نیز...

اما حیف

کودکی هایم را باد برد

...! مادرم ما دیگر خسته شده

ایم می خواهیم در آغوش گرم آرام

بگیریم. خسته شده ایم بس که از سرما

لرزیدیم و تهمت ها شنیدیم و در آشکار

و در خفا گریه کردیم... بس که این

کوره راه، ترس آور زندگی مخوف را

هراسان میزدیم بزم پاهایمان به ما

میخندد... خسته شده ایم بس که تنها

دویدیم... اشک دیگر نداریم که گونه

هایمان را پاک کند... می خواهیم با

تو گریه کنیم... خسته شده ایم بس

که... تنها گریه کرده ایم... می

خواهیم دستهایمان را به گردنت

ببیاویزیم و شانه هایت را

ببوسیم... خسته شده ایم، بس که تنها

ایستاده ایم و..

آری مادرم سال هاست که سایه تو

را؛ هم چون پدر بر سر نداریم، خیلی وقت چشم به در داریم و دیگر نمی گذارند از تو خبر بگیریم، خیلی وقت است زیر رگبار باران هوای رفتن داریم، ولی همسفر نداریم....

ما کیستم آیا يك موجود زنده؟ در کجا و برای که زنده ایم نمی دانیم؛ نمیدانم اصلاً برای چه به دنیا آمده ای م؛ اصلاً خداوند برای چه من و خواهرم را خلق کرده است؛ آفریده شده ایم تا شکنجه ببینیم؟ آخر چرا و چقدر؟ از کودکی با ترس و در حالیکه به یکدیگر پناه می بردیم در کوجه های سرد و تاریک آواره شدیم.... در زمانیکه دختران در آغوش مادر شان می نشینند تا مادرشان موهای آنها را ببافند؛ خواهرم در هوای سرد و برفی و با يك پیراهن نازک و در حالیکه بدنش از شدت سرما یخ می زد؛ در کنار دیوار بلند زندان انتظار می کشید و التماس می کرد تا شاید که به او اجازه ملاقات مادرش را بدهند... در زمانی که هم سالان من (سجاد) در کنار پدر نشسته و با وی درسهای مدرسه را تمرین می کنند؛ من شاهد صحنه دردناک قتل و فوت پدرمان بودم؛ و حال از آن درد ناک تر اتهام کذب و کثیف قتل پدر مان به دست مادر مان؛ از طرف سنگسار کنندگان جمهوری اسلامی.... شاید اگر امکان این بود که ما به مدرسه برویم همیشه سرکلاس املاء مادر؛ را اشتباه مینوشتیم تا معلم ما را جریمه کند و در يك ورقه سفید هزار مرتبه بنویسم: مادر آیا تصویری کنیید؟! نه شما

نمیتوانید تصور کنید! چراکه ویکتور ماری هوگو، اگر زنده بود؛ دیگر نیازی به نوشتن رمان بینوایان و کزت و فانتین نداشت؛ یا چارلز جان هوفام دیکنز به نوشتن رمان الیور توئیست و فاگین اقدام نمی کرد. چرا که ما را داشت! اگر که، کزت در آینده مدافعانی چون ژان والژان یا موسیو مادلن را پیدا کرد و الیور توئیست؛ مدافعی چون آقای براون لا... ما سرنوشت مان و آیند مان؛ گردابی مخوف غرق در چاهی است دهشتناک؛ سقوطی ناعادالانه و بیرحم به پرتگاه افراط و نامنی... و کیل مدافع ما هوتن، خود دیگر کاشانه ندارد؛ در داگستری نیز به جرم دفاع از ما راه ندارد، خود نیاز به حامی دارد؛....، و چه تراژدی شده است؛ این زندگی و ادامه آن!!!! شاید آن بازجوی اطلاعات رژیم؛ هفته قبل و به هنگام تفتیش دفتر وکیل مان هوتن کیان راست میگفت؛ گفت که اگر مادرتان را هم داشته باشید؛ دیگر نخواهیم گذاشت زندگی داشته باشید؛ چرا که دنیا به آزادی مادرتان کار دارد، نه به زندگی شما!!!!، آری چه پوچ است؛ این زندگی و ادامه آن!!!! در حالیکه از همه جا طرد شده ایم و در جمع فامیل ها نیز جای نداریم؛ و چه چیز مهلکی است مذهب افراطی و چه مصیبتی است صلیب حضرت مسیح!.... نمی دانیم در جمهوری اسلامی؛ اگر هوتن کیان را نداشتیم و در خارج از ایران شما را؛ تا الان چه سرنوشتی در انتظارمان بود؛ واقعاً نمی دانیم و تصور آن برای ما مشکل است. روزی که نا امیدانه و در حال گریه؛ به فرشته نجات خانم مینا احدی؛ زنگ زدم و روزی که وجدان؛ هوتن کیان؛ او

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان، برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تأمین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

را همراه ما کرد.... و روزی که حمایت شما را می بینیم شاید تنها دلخوشی این زندگی پر از زجر باشد و فانوسی در تاریکی مطلق کور سوی تنهایی زندگی امان... پس عاجزانه التماس می کنیم به فکر ما و امثال ماها و وکلای امثال هوتن کیان ها؛ شیوا نظر آهاری ها؛ اولیاء فرها و

سران جمهوری اسلامی نباید اجازه سفر به کشورهای دیگر را داشته باشند و هیچیک از آنها نباید اجازه یابند بعنوان نماینده مردم در مجامع بین المللی پشت تریبون قرار گیرند. روابط سیاسی با جمهوری اسلامی باید قطع شود و سفارتخانه های این حکومت نسل کشان باید بسته شود.

روز ۱۸ سپتامبر در همه جا دست به اعتراض بزنید، خواهان آزادی سکینه و لغو قانونی و عملی سنگسار

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ يك نسل کشی بود

بلکه عملاً يك نسل کشی از مخالفین جمهوری اسلامی در زندانها بود که نقشه مند و سیستماتیک و با قصد نابودی و حذف فیزیکی و پاکسازی سیاسی مخالفین جمهوری اسلامی صورت گرفت.

انقلاب مردم ایران، سرها را به سمت ایران چرخاند و گرد و غبار و پرده استتار جنایات و نسل کشی های سه دهه جمهوری اسلامی را در انتظار بین المللی کنار زد. امروز دنیا دارد می بیند که مردم ایران با چه نظام سیاسی خونخواری روبرو هستند. کمپین بین

در تابستان ۶۷ جمهوری اسلامی در ادامه کشتارها و اعدامهای سیاسی خود که از ابتدای به قدرت رسیدنش آغاز کرده بود، دست به کشتار جمعی زندانیان سیاسی زد. در عرض چند هفته هزاران نفر از مخالفین حکومت که در زندانهای جمهوری اسلامی به زندان محکوم شده بودند، طی يك عملیات ضرب العجلی و با محاکمات چند دقیقه ای بلون هیچ وکیل مدافعی به اعدام محکوم شدند و بلافاصله اعدام شدند. آنچه در تابستان ۶۷ رخ داد تنها يك موج جدید اعدام نبود

زنده باد سوسیالیسم!



زبان کردند. کمپین شیخ جراح البته تنها یکی از کمپین‌های متعددی است که سالهاست بطور روزمره، و به مشابه عرصه‌ای از مبارزه نیروهای متخصص اجتماعی در اسرائیل جریان دارد و صد البته به دلیل بسیار واضح و به همان اندازه غیر قابل قبول در رسانه‌های جهانی انعکاس چندانی پیدا نمی‌کند. علت این سانسور از سوی رسانه‌های غربی را بخصوص ما مردم ایران و چپ انقلابی ایران ۳۱ سال است که با گوشت و پوست خودمان حس می‌کنیم. این نوع سانسور برای ما چیز تازه‌ای نیست. قابل توجه اینست که حتی جریان‌ات چپی که خود را مدافع فلسطینیان قلمداد می‌کنند و بسیار شبیه همان جریان‌اتی هستند که ما آنها را چپ سنتی مینامیم، نیز در مورد این جنبشها و کمپینها سکوت در پیش گرفته‌اند. دلیل اصلیش اینست که مثل جریان‌ات اسلامی و بهر همراه جریان‌ات اسلامی تمام مردم منتسب به یهودی و اسرائیلی را جزئی از اردوی فاشیسم دولتی اسرائیل و نیروی امپریالیستی و اشغالگر بحساب می‌آورند. تردیدی ندارم که ریشه‌های این سانسور را باید در همان جهان بینی سنتی تقابل دو قطب امپریالیسم و نوچه‌پاشی و از جمله اسرائیل، و قطب دیگر کشورهای جهان سومی "ضد امپریالیستی" مثل ایران و کوبا و ونزوئلا و سوریه و لیبی جستجو کرد و همانطور که اشاره کردم در این مسیر رگه‌هایی از اثرات تبلیغات فرهنگی

"شیخ جراح": جنبش دفاع از حق زندگی در اسرائیل



احمد فاطمی

اسرائیل، چه در خاک اسرائیل و چه در اراضی و مناطق اشغالی هر هفته تکرار می‌شود و در مواردی از این فعالین يك جنبش مدرن و انسانی و ضد فاشیسم حکومت اسرائیل قربانی جانی هم می‌گیرد. چند هفته قبل از رویداد فوق در تظاهرات بزرگی بر علیه سیاست‌های فاشیستی دولت اسرائیل، حتی نارنجکی هم به میان جمعیت تظاهرکننده پرتاب شد که خوشبختانه تلفات جانی به دنبال نداشت ولی موجب وحشت تظاهرکنندگان شده بود. "شیخ جراح" یکی از کمپین‌های معروف فعالین اسرائیلی ضد اشغال و جنگ است که نامش را از محله‌ای به همین اسم در بخش شرقی اورشلیم گرفته است. این محله از ساله ۲۰۰۸ در تداوم سیاست‌های اشغال‌گرانه حاکمیت اسرائیل يك محله "یهودی نشین" اعلام شد! نام آن به "شیمون هاتزادیک" تغییر یافت، تاریخ آن جعل شد و به ساکنان فلسطینی اش دستور داده شد که خانه‌های خود را تخلیه کنند تا پس از تخریب، در آنجا خانه‌های جدید برای اسکان شهرک نشینان یهودی ایجاد شود. جنبش "صلح الان" و سایر گروه‌های ضد جنگ و اشغال اسرائیلی که اساسا از اسرائیلیان یهودی تشکیل می‌شود از آن تاریخ تا به امروز با به راه انداختن تظاهرات هفتگی، و تبلیغ و ترویج تلاش می‌کند مانع اجرای این سیاست غیر انسانی یعنی آواره کردن مردم محروم و زحمتکش غیر یهودی و عرب

"معان" یکی از دوستان من يك دختر یهودی اسرائیلی جوان است که از همان روزهای نخستین شروع تظاهراتها و خیزش مردم علیه حکومت اسلامی در ایران در سال گذشته فعالانه در رسانه‌های اجتماعی حضور داشته و به سهم خود از منافع مردم ایران دفاع کرده است. معان در ارتباط با کمپین آزادی سکینه و علیه سنگسار هم از روز اول، به دلیل ارتباطش با يك جنبش آزادیخواهانه، و رسانه‌های عمومی وابسته به آنها نقش بسیار مهمی ایفا کرد. روز قبل از تظاهرات ۱۰۰ شهر در تل آویو، که به ابتکار معان برگزار شد، او به همراه عده‌ای دیگر از فعالین حقوق مدنی انسان در اسرائیل در جریان يك تظاهرات دیگر پس از کتک خوردن از نیروهای امنیتی اسرائیل دستگیر و به مدت يك روز بازداشت شد. این بار اول نبود که معان و دوستانش با رفتار وحشیانه نیروهای امنیتی اسرائیلی روبرو می‌شدند. در حقیقت این صحنه ایست که چند سالست در نقاط مختلف

صرف نظر از مفهوم حمایت معنوی و یا هر چیز دیگر يك علت خاص هم دارد. معان و دوستانش این علت خاص را اینطور توضیح می‌دهند: عصر چمعه آخرین فرصتی در هفته است که گل‌های بنیاد گرایان یهودی که نیروی اجتماعی اصلی این وحشیگری هستند قبل از فرو افتادن تعطیل مذهبی "سبت" میتوانند بطور سازمان یافته به اهالی فلسطینی، ساکنین اصلی شیخ جراح حمله کنند، به زور اسلحه و چماق و در پناه حمایت نیروهای امنیتی آنان را از خانه‌هایشان بیرون کشیده، و یا خانه‌ها را بر سرشان خراب کنند. معان و دوستانش يك سال است که هر عصر جمعه در حمایت از مردم محروم فلسطینی در شیخ جراح تظاهرات برپا می‌کنند، کتک می‌خورند، به زندان می‌افتند، گرد و غبار خود را می‌تکانند و برای تظاهرات جمعه آینده نیرو جمع می‌کنند و برنامه می‌ریزند. معان و دوستانش این زندگان برابری و برادری و صلح شایسته عمیق ترین احترامات اند.*

اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را هم آشکارا میتوان یافت. سکوت چپ سنتی جهانی، و جامعه کشورهای غربی در قبال جنبشهای برابری طلب و رادیکال و صلح دوست اسرائیلی در کشمکش سیاسی نیروهای اجتماعی در اسرائیل روی دیگر همان سکه برابر قرار دادن جبری جمهوری اسلامی و مردم ایران و تبعات سیاسی آن و از جمله مقوله نسبیست فرهنگی است. بهر رو بیش از يك سال است که هر عصر جمعه گروه‌های فعالین آزادی خواه و مترقی اسرائیلی در شیخ جراح جمع می‌شوند، و با استفاده از طبل و نقاره و شعارهای ضد وحشیگری و بربریت فاشیستهای اسرائیلی، تلاش می‌کنند مانع تخریب آن خانه‌هایی گردند که هنوز می‌توان آنها را هرچند آسیب دیده، اما خانه نامید. اهالی شیخ جراح حتی آنهایی که دیگر بیش از يك سال است در چادرهای فرسوده بر پا شده بر ویرانه‌های خانه‌های سابقشان به اصطلاح زندگی میکنند هر جمعه در انتظار این گروه‌ها هستند و این

آزاد کمانگر باید فوراً از زندان آزاد شود.

شهلا دانشفر

گردید. اکنون ۱۳ روز از دستگیری آزاد میگردد و خانواده او علیرغم مراجعه به اداره اطلاعات سنندج و دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی موفق به کسب خبر از وی نشده‌اند. و حتی آزاد کمانگر امکان تماس با وکیل خود خلیل بهرامیان را نداشته است. بیخبری از وضع آزاد موجب نگرانی خانواده او و همه دوستان و نزدیکانش شده است. اعدام فرزند کمانگر و ۴ فعال سیاسی همراه او، یکی از جنایات جمهوری اسلامی است که انعکاس وسیعی در جامعه و در سطح جهانی داشت. این جنایت جمهوری اسلامی را آنچنان در تنگنا گذاشت که حتی جرات تحویل اجساد این عزیزان به خانواده شان را نداشت. این اعدام‌ها آنچنان انعکاسی یافت و

آزاد کمانگر خواهر زاده فرزند کمانگر معلم آزادیخواهی که در ۱۹ اردیبهشت همراه با ۴ فعال سیاسی دیگر اعدام شد، در پی تلاش برای برگزاری مراسم گرامیداشت فرزند کمانگر و ۴ فعال سیاسی دیگر علی حیدریان، فرهاد وکیل، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان تحت تعقیب قرار داشت و در همین رابطه برای روز ۱۲ شهریور توسط کمیته انضباطی دانشکده فنی و مهندسی یزدان پناه سنندج که او در آنجا به تحصیل مشغول است، احضار شده بود، که پیش از حضور در جلسه کمیته انضباطی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل

با تمام قدرت تلاش کنیم آزاد کمانگر را از زندان آزاد کنیم. دانشجویان دانشگاه یزدان پناه سنندج، نقش مهمی در این جهت دارند. اکنون که دانشگاه شروع میشود باید با اعتراض به دستگیری آزاد کمانگر و دیگر دانشجویانی که از دانشگاههای مختلف در زندانند حرکتی را در دستور بگذارند و خواهان آزادی فوری آزاد کمانگر و همه زندانیان سیاسی از زندان شوند.*

خشم و نفرتی را علیه حکومت بر انگیزت که انعکاس آنرا در تظاهرات مردم آزادیخواه کابل و جلال آباد افغانستان در حالیکه عکس‌های فرزند و این اعدام شدگان را در دست داشتند، را شاهد بودیم. در کنفرانس جهانی کار ما کادرهای حزب کمونیست کارگری با بر سر دست بلند کردن عکس فرزند کمانگر به اجلاس اعلام کردیم که جای قاتلان فرزند کمانگر در این کنفرانس نیست و باید از سازمان جهانی کار اخراج شود. جمهوری اسلامی بشدت در زیر فشار اعتراض به اعدام فرزند کمانگر قرار دارد. از شیخ فرزند نیز می‌تواند مدام خانواده و بستگانش را زیر فشار قرار میدهد تا ساکت بنشینند. جمهوری اسلامی با این فشار میکوشد، ادامه اعتراض به این اعدام‌ها را مانع شود. میدانند که سالگرد کشتار این عزیزان

فرامیرسد و میکوشد از هم اکنون جلوی آنرا بگیرد. میدانند که سالگرد جانباختن این عزیزان شهر کامیاران و دیگر شهرهای کردستان را به حرکت و جنبش و جوش در خواهد آورد. میدانند که این اتفاق در سطح جامعه انعکاس خواهد داشت. میدانند که ما این موضوع را با تمام قدرت دنبال میکنیم. جمهوری اسلامی با چنین وحشتی است که بر فشارهایش بر روی خانواده فرزند کمانگر و نزدیکانش فشار می‌آورد.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!